



# شرایط ظہور

## از دیدگاہ قرآن کریم



محسن قرائتی

به کوشش حسن ملایی

سرشناسه	: قرآنتی، محسن، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم (بر اساس آثار استاد محسن قرآنتی) / به کوشش حسن ملایی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۹ص:؛ ۵،۱۴×۵،۲۱س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۵۳-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: مهدویت -- احادیث
موضوع	: مهدویت -- انتظار
شناسه افزوده	: ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۶۹ ۴۳ م/۸۶ BP۱۰۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۰۹۵۹۱

## شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم



- مؤلف: محسن قرآنتی
- به کوشش: حسن ملایی
- ویراستار: رامین بابا گل‌زاده
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
- صفحه‌آرا: داوود هزاره
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۳
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۵۳-۸
- شمارگان: هزار نسخه
- قیمت: ۴۵۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۳۶ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۳۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

- [www.mahdi313.com](http://www.mahdi313.com)
- [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)
- [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)
- [Entesharatbonyad@chmail.ir](mailto:Entesharatbonyad@chmail.ir)

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

---

## شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

---

(بر اساس آثار استاد محسن قرائتی)



## فهرست مطالب:

### بخش اول: کلیات

۱. حتمی بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن ..... ۱۳
۲. رابطه علت غیبت با مسئله ظهور ..... ۱۸
۳. زمینه‌سازی برای ظهور در قرآن ..... ۲۰
۴. قرآن و جایگاه تلاش در رسیدن به آرزوها ..... ۲۲
۵. رابطه تلاش و دعا در قرآن ..... ۲۴
۶. نقش توکل در زمینه‌سازی ظهور ..... ۲۶
۷. قرآن و مسئله امدادهای غیبی ..... ۲۸
۸. شرایط نزول امدادهای الهی از منظر قرآن ..... ۳۲
- ۱-۸. صبر و استقامت ..... ۳۳
- ۲-۸. یاری دین خدا ..... ۳۳
- ۳-۸. جهاد و مبارزه با دشمن ..... ۳۴

- ۴-۸. تقوای الهی ..... ۳۴
- ۵-۸. مجاهدت و تلاش ..... ۳۵
- ۶-۸. ایمان به پروردگار ..... ۳۵
- ۷-۸. عدم ارتباط با کافران ..... ۳۶
- ۸-۸. انجام تکلیف ..... ۳۶
- ۹-۸. استغفار و توبه ..... ۳۷
۹. حقیقت انتظار، یعنی تلاش برای آمادگی و زمینه‌سازی ..... ۳۷
۱۰. وظیفه ما در مسئله ظهور ..... ۴۳
۱۱. لزوم توجه به شرایط ظهور، نه علائم ظهور ..... ۴۴

### بخش دوم: شرایط ظهور امام زمان عجل الله فرجه

- الف) شرایط الهی ظهور ..... ۴۶
۱. اراده پروردگار ..... ۴۶
۲. وجود رهبري معصوم، توانا و آگاه برای جهان ..... ۴۹
۳. داشتن برنامه و قوانین جامع برای جهان ..... ۵۳
- ویژگی‌های قانون‌گذار ..... ۵۷
۴. امداد الهی و غیبی ..... ۶۲
- ب) شرایط انسانی ظهور ..... ۶۴
- فراهم شدن شرایط انسانی ظهور؛ حکمت امتحانات عصر غیبت ..... ۶۴
- الف) شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان ..... ۶۵
- ب) جداسازی افراد نیک از بد ..... ۶۶
- ج) جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آنها ..... ۶۶
- د) بیداری از غفلت ..... ۶۶

۱. شرایط مربوط به کارگزاران و کادر امام عصر <small>علیه السلام</small> .....	۷۰
۱-۱. ایمان مستحکم .....	۷۴
۲-۱. عبادت و مناجات .....	۷۴
۳-۱. معرفت به امام .....	۷۵
۴-۱. ولایت‌پذیری و اطاعت از امام .....	۷۷
۵-۱. جان‌نثاری برای امام و شهادت‌طلبی .....	۷۹
۶-۱. تقوا و پرهیزگاری .....	۸۰
۷-۱. اخلاق‌محوری .....	۸۱
۸-۱. نصرت دین خدا و ترویج احکام الهی .....	۸۲
۹-۱. کارآمدی و تخصص .....	۸۳
۱۰-۱. توانایی جسمانی .....	۸۵
۱۱-۱. صبر و استقامت .....	۸۶
۱۲-۱. اخلاص و انگیزه الهی .....	۸۸
۱۳-۱. دوری از غرور .....	۸۸
۱۴-۱. روحیه جهاد و مبارزه .....	۸۹
۱۵-۱. اصلاح‌گری در جامعه .....	۹۰
۲. شرایط مربوط به عموم مردم .....	۹۳
۱-۲. پذیرش روحی .....	۹۳
۲-۲. آمادگی معرفتی .....	۹۵
۳-۲. تبعیت عملی .....	۹۶
۴-۲. تقوا و ترک گناه .....	۹۷
۵-۲. هم‌دلی در طلب ظهور .....	۹۸



- ۶-۲. یأس از حکومت‌ها و خستگی از مکتب‌های بشری ..... ۹۹
- ۷-۲. اطاعت از نایب امام و ولی فقیه ..... ۱۰۰
- ۸-۲. دعای همگانی برای امام زمان علیه السلام، وظیفه‌ای همگانی ..... ۱۰۲

### خاتمه: پاسخ به چند پرسش

۱. پرسش: در برخی احادیث آمده: اگر کسی پیش از قیام امام زمان علیه السلام قیام کند، قیامش باطل است. منظور از این روایت چیست؟ ..... ۱۰۶
۲. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام عصر، حال که امام زمان علیه السلام غایب است، چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که بر طبق خواسته ایشان رفتار کرده‌ایم؟ ..... ۱۰۸
۳. پرسش: در احادیث فراوانی آمده است: امام زمان علیه السلام زمانی ظهور می‌کند که دنیا پر از ظلم و ستم شود. اگر این‌گونه است چه نیازی به آماده کردن شرایط ظهور است؟ ..... ۱۱۰
۴. پرسش: آیا انتظار امام زمان علیه السلام به معنای سکوت و بی‌تفاوتی در برابر ظلم است؟ ..... ۱۱۱
۵. پرسش: یکی از شرایط انسانی ظهور و نیز از جمله عوامل اصلی موفقیت در بلاها و امتحان‌های عصر غیبت، صبر و استقامت است. قرآن کریم، راه صبر بر مشکلات را چه می‌داند؟ ..... ۱۱۲
- کتاب‌نامه: ..... ۱۱۷

## مقدمه:

اگرچه بررسی معارف دینی به خوبی گواه آن است که مباحث مهدویت از یک نظر، جزئی قطعی از این معارف است، باید اذعان داشت که از حیث اهمیت و اولویت، همه مباحث مهدوی هم‌رتبه نیستند و برخی از آنها، مهم‌تر و پرداختن به آن شایسته‌تر است.

در میان مباحث مهدویت، مسئله ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و تأسیس حکومت عدل جهانی ایشان، از آن رو که تحول جدی در زندگی بشر و در رشد همه جانبه او ایفا می‌کند، مهم‌ترین موضوع است، اما متأسفانه برخی به جای تلاش برای شناخت شرایط لازم برای ظهور و سپس تدارک آن شرایط، به دلایل مختلف و به گونه‌ای افراطی، به بحث علائم و نشانه‌های ظهور که در روند ظهور، تأثیری نداشته و تکلیفی را بر دوش ما

۱۰ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

نمی‌گذارد، می‌پردازند؛ در نتیجه به جای این‌که امام غایب و غریب خود را از غربت درآورند با غفلت از وظیفه، بر این غربت می‌افزایند!

این نوشتار، حاصل تدوین تفکرات و اندیشه‌های حجت الاسلام‌والمسلمین محسن قرائتی است. گفتنی است در تدوین این اثر، از نرم‌افزار «مجموعه آثار» ایشان، که از آثار مکتوب و بیش از سه دهه سخنرانی‌های ایشان در مجموعه «درس‌هایی از قرآن» فراهم گردیده، استفاده شده است.

این کتاب سعی دارد با تکیه به مطمئن‌ترین منبع دین، یعنی قرآن کریم و با کمک مفسران حقیقی آن، یعنی معصومان علیهم‌السلام و نیز با نگاهی آسیب‌شناسانه، ضمن پیرایش تصور عمومی دربارهٔ مقولهٔ ظهور، برداشت صحیح از ظهور و شرایط آن را به همگان عرضه و مقدمات تلاش برای فراهم کردن زمینه‌های مردمی ظهور را فراهم و بدین وسیله، زمینهٔ تعلق ارادهٔ خداوند به ظهور را مهیا کند.

تدوین‌گر: حسن ملایی

---

**بخش اول : کلیات**

---



## مقدمه

سخن از بررسی شرایط ظهور و آن هم با توجه به آیات قرآنی، یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه مباحث مهدویت است که پرداختن به آن، برای همه منتظران امام زمان علیه السلام ضرورت دارد. اما پیش از ورود به بحث، نیازمند طرح مقدماتی هستیم تا با تکیه بر آن‌ها مباحث خود را بیان کنیم؛ از این رو، این بخش به کلیاتی در این باره اختصاص دارد.

### ۱. مَتَمی بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

مسئله حضرت مهدی علیه السلام و قیام جهانی ایشان، علاوه بر آیات قرآن، در روایات بسیاری از طریق شیعه آمده است؛ حتی در اغلب کتب حدیثی عامه نیز طرح شده و از مسلمانات اعتقادی مسلمانان است. همان‌گونه که می‌دانیم، حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده و سپس به دلایلی از دیدگان مردم غایب شده است؛ البته غیبت حضرت در دو مرحله بوده است: غیبت کوتاه (صغری) و غیبت طولانی (کبری). در مرحله نخست که حدود هفتاد سال به طول انجامید، شیعیان به واسطه چهار نایب خاص، با حضرت ارتباط داشته و امور دینی خود را به فرمان امام زمان علیه السلام انجام می‌دادند، تا آن‌که حضرت به چهارمین نایب خود، علی بن محمد سمري خبر دادند که چند روز دیگر از دنیا می‌رود و دیگر پس از او شخص خاصی میان من و مردم واسطه نیست، چراکه غیبت کبری آغاز شده است.

۱۴ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

ایشان هم‌چنین راه شناخت وظایف و تکالیف را برای شیعیان مشخص و آنها را موظف کرد به دانشمندان دینی رجوع کنند:

در حوادثی که برای شما پیش می‌آید، به فقیهان و روایت‌گران سخنان ما مراجعه کنید، زیرا آنها حجت من بر مردم هستند، همان‌گونه که من حجت خدا بر آنان هستم.<sup>۱</sup>

از آن زمان، غیبت طولانی حضرت آغاز گشته و هنوز ادامه دارد. ایشان طبق صدها آیه و حدیث معتبر برای تشکیل حکومت عدل جهانی ظهور خواهد کرد.

برخی از آیات حکایت‌گر حتمیت حکومت مهدوی، عبارتند از:

آیه اول:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان ناراحت باشند.<sup>۲</sup>

---

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. توبه، آیه ۳۳.

این آیه به همین صورت، علاوه بر این سوره در دو سوره دیگر نیز آمده است: سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند؛ چنان که در آیات دیگری نیز «ظَهَرَ» به معنای استیلا یافتن آمده است؛ مثل: ﴿إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ﴾<sup>۱</sup>؛ اگر بر شما غالب شوند، سنگسارتان می‌کنند. و درباره کفار آمده است: ﴿إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذَمَّةً﴾<sup>۲</sup>؛ اگر بر شما غالب شوند، هیچ عهد و پیمانی را مراعات نمی‌کنند.

از سویی، این آیه تاکنون تحقق نیافته است و از سوی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده و وعده‌اش دروغ نیست؛ در نتیجه، همان‌گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد.

امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که در آن جا صدای «اشهد ان لا اله الا الله» و «اشهد ان محمداً رسول الله» بلند می‌شود.<sup>۳</sup>

---

۱. کهف، آیه ۲۰.

۲. توبه، آیه ۸.

۳. محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.



و فرمود:

هرگاه قائم ظهور کند، عدل را در میان مردم برقرار می‌سازد و جور و ستم در زمان او برطرف می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد. در زمان او، زمین برکات خود را بیرون می‌کند و قائم، هر حق را به اصحابش برمی‌گرداند. در ظهور او تمام مردم روی زمین، دین اسلام را خواهند پذیرفت و آیه شریفه: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup> مصداق پیدا خواهد کرد. قائم در میان مردم، مانند حضرت داود علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله حکم می‌کند. در آن زمان، گنج‌های زمین ظاهر و زینت‌هایش آشکار می‌شود، همه مردم ثروت‌مند خواهند شد و دیگر جایی برای مصرف صدقات پیدا نخواهد شد.<sup>۲</sup>

آیه دوم:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۳</sup>؛ و همانا در (کتاب

۱. آل عمران، آیه ۸۳.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۳. انبیاء، آیه: ۱۰۵.

آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

کلمه «زبور» در لغت عرب، به معنای هر نوع نوشته و کتاب است: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾<sup>۱</sup> ولی به قرینه آیه: ﴿وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که مراد، کتاب اختصاصی حضرت داود علیه السلام باشد که دربرگیرنده مجموعه مناجات‌ها، نیایش‌ها و اندرزهای آن حضرت است. این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از «ذکر» در این آیه نیز همان تورات است؛ چنان‌که در آیه ۴۸ همین سوره هم گذشت که تورات، ذکر است. بعضی گفته‌اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی و مراد از «ذکر»، قرآن مجید است و عبارت «مِنْ بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» می‌آید؛ در این صورت، معنای آیه چنین می‌شود: ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین هر آینه، بندگان صالح من خواهند بود. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، حضرت مهدی علیه السلام و یارانش هستند.<sup>۳</sup>

---

۱. قمر، آیه ۵۲.

۲. نساء، آیه ۶۳ و اسراء، آیه ۵۵.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷.

حقیقت آن است که همه ادیان معتقدند نجات‌دهنده‌ای خواهد آمد؛ لذا در زیارات مهدوی داریم: «السَّلَامُ عَلَيَّ مَهْدِيَّ الْأُمَمِ»؛<sup>۱</sup> سلام بر تو ای امامی که همه امت‌ها منتظر تو هستند! به همین جهت، موضوع ظهور وی، یکی از موضوعات مهم در مباحث مهدویت است.

## ۲. رابطه علت غیبت با مسئله ظهور

در احادیث گوناگون، علت عدم درک محضر امام زمان عجل الله فرجه بیان شده است؛ از جمله آن‌که خود ایشان ارتکاب گناه را سبب این امر معرفی کرده و فرموده‌اند: «فَمَا يَحْيِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ»؛<sup>۲</sup> ما را از شما حبس نمی‌کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه شما به ما می‌رسد. این سخن با صراحت می‌گوید که به سبب اعمال زشتی که انجام داده‌ایم، توفیق درک ظهور را پیدا نمی‌کنیم.

هم‌چنین وقتی از امام صادق ع سؤال می‌کنند که چرا امام زمان عجل الله فرجه غایب می‌شود، آمده است: «وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ»؛<sup>۳</sup> یعنی ایشان به گردن خود اشاره می‌کردند؛ کنایه از این‌که اگر بیاید، کشته می‌شود. بنابراین، از

---

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۳۵.

مجموع این روایات به دست می‌آید که علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام زمان علیه السلام است. خداوند آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره فرموده است، تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره‌گیری کنند.

اگر اداره برق یک شهر برای روشنایی کوچه‌ای، تیر چراغ برقی نصب کرد و لامپی به آن زد، ولی بچه‌های کوچه با زدن سنگ لامپ را شکستند، مأمور اداره، لامپ دیگری می‌زند. چنانچه مجدداً بچه‌ها لامپ را هم بشکنند، باز اداره برق، برای روشنایی محل اقدام به نصب لامپ دیگری می‌کند. حال اگر برای بار سوم بچه‌های بی‌ادب لامپ را شکستند، به احتمال فراوان، اداره برق تمایلی به نصب مجدد لامپ ندارد، اما به خاطر خواهش بزرگ‌ترها و رفاه حال اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری را نصب کند. اما فکر می‌کنید اداره برق تا چه تعداد این کار را انجام دهد؟ در مورد بحث ما نیز، حاکمان ستم‌گر، یازده چراغ هدایت را شکستند! خداوند نیز چراغ دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره‌گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند؛ بنابراین، باید زمینه‌های ظهور و حکومت مهدوی با فراهم شدن شرایط آن، آماده شود.

### ۳. زمینه‌سازی برای ظهور، در قرآن

آیاتی در قرآن بر وجود زمینه‌ها و شایستگی‌های انسانی برای نزول و فراگیری برکات و رحمت‌های پروردگار دلالت دارد؛

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛<sup>۱</sup> و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی آنان (آیات ما را) تکذیب کردند؛ پس ما هم به خاطر عمل‌کردشان آنان را (با قهر خود) گرفتیم.

از مصادیق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که به گفته روایات، در آن زمان برکات از آسمان و زمین سرازیر می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

چون حضرت قائم علیه السلام قیام کند، به عدالت حکم فرماید و در دوران او ستم برداشته شود، راه‌ها امن گردد، زمین برکت‌های خود را بیرون آورد و هر حقی به اهلش رسد.<sup>۲</sup>

---

۱. اعراف، آیه ۱۹۶.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

امام حسن علیه السلام نیز فرمودند:

در دولت او، درندگان آزادانه زندگی می‌کنند، زمین چنان که باید گیاهان خود را بیرون می‌دهد، آسمان برکات خود را فرومی‌فرستد و گنج‌ها (و معادن) زمین برای او آشکار می‌شود.<sup>۱</sup>

نکاتی در این آیه وجود دارد که بر تلاش ما در جلب رحمت پروردگار تأکید می‌کند:

۱. ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا لازم است: «آمَنُوا وَ اتَّقُوا».
۲. بستن و گشایش، در اختیار خداست (لَفَتَّحْنَا)، اما بازتابی از عمل کرد ماست.
۳. عامل محرومیت‌ها و مشکلات، عمل کرد خود ماست: «بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

بر این اساس، برای این که اسلام دنیا را بگیرد و نعمت‌های الهی بر بشریت ببارد، باید شرایط آن مهیا شود.

---

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

#### ۴. قرآن و جایگاه تلاش در رسیدن به آرزوها

آرزوهای هر انسان، انگیزه زندگی اوست و هر کسی به شوق رسیدن به آرزوهایش به سر می‌برد و راه‌هایی را برای دستیابی به آن جست‌وجو می‌کند. در منطق قرآن کریم، تلاش و کوشش، سهم زیادی در به دست آوردن آرزوها و منافع دارد، به طوری که در این کتاب زندگی آمده است:

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ

يُرَىٰ﴾؛<sup>۱</sup> و این‌که برای انسان جز آنچه تلاش کرده،

(بهره دیگری) نیست و این‌که تلاش و سعی او را به

زودی به وی بکنند.

این آیه به روشنی بیان می‌کند که:

اولاً: هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ

إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾.

ثانیاً: ما مکلف به انجام وظیفه‌ایم، نه حصول نتیجه. سعی و تلاش، وظیفه

ماست: «إِلَّا مَا سَعَىٰ».

ثالثاً: ایمان به بقای عمل و نظام عادلانه کیفر و پاداش، انسان را در برابر

رفتار خود، هم دل‌گرم و تشویق و هم محتاط و مسئول می‌کند: «وَأَنْ

سَعِيهِ سَوْفَ يُرَىٰ».

رابعاً؛ هیچ عملی در هستی محو نمی‌شود: «سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى». خامساً؛ نیکوکاران در دریافت پاداش کار خود، عجله نکنند: «سَوْفَ يُرَى». یکی از آرزوهای بلند و مقدس همه ما شیعیان، ظهور امام زمان عجلت الله فرجه است، اما شاید کسانی بگویند: ما در زمینه‌سازی برای ظهور ایشان، با بسیاری از امور آشنایی نداریم! قرآن کریم دست کشیدن از تلاش را با این بهانه قبول ندارد و برای دفع چنین تفکر غلطی، کوشش در راه خدا را زمینه دریافت لطف ویژه خدا و نشان دادن راه‌هایی می‌داند که تاکنون برای ما مخفی بوده و به آن آگاهی نداشتیم؛ چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾؛ و

کسانی که در راه ما (تلاش و) جهاد کردند، راه‌های

(قرب به) خود را به آنان نشان خواهیم داد.

حاصل آن‌که، با شعار و آرزو نمی‌توان به چیزی دست یافت و این کار، عمل و سخت‌کوشی است که شیرینی موفقیت را به کام انسان می‌نشانند. بنابراین، اگر کسانی واقعاً می‌خواهند که دوران ظهور امام زمان عجلت الله فرجه و حکومت عادلانه او را درک و از برکات آن استفاده کنند، خودشان نیز باید برای تحقق چنین حکومتی به اندازه توانایی که دارد تلاش کنند.



## ۵. رابطه تلاش و دعا در قرآن

یکی از اعمالی که در عصر غیبت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> باید منتظران قدوم مبارکش انجام دهند، بحث دعا برای فرج و ظهور است. خود امام عصر<sup>علیه السلام</sup> نیز از ما خواسته اند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ».<sup>۱</sup> این موضوع باعث شده که برای برخی این سؤال پیش آید که وقتی قرار است برای ظهور امام زمان<sup>علیه السلام</sup> دعا کنیم، دیگر چه نیازی به تلاش برای زمینه‌سازی برای ظهور است؟

پاسخ آن است که دعا در کنار تلاش و کوشش است، نه به جای آن. در قرآن کریم آمده است که رزمندگانی که سینه سپر کرده و آماده دفاع هستند، این گونه دعا می‌کنند:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾؛<sup>۲</sup> پروردگارا! صبر و شکیبایی بر

ما فرو ریز و قدم‌های ما را ثابت و استوار بدار و ما را

بر گروه کافران پیروز فرما.

---

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. بقره، آیه ۲۵۰.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۲۵

راز این مطلب هم آن است که اگرچه وظیفه انسان، حرکت و تلاش است، پیروزی به دست خداست و به همین علت در ابتدا از پروردگار می‌خواهند که آن‌ها را پیروز کند: «رَبَّنَا... وَ انصُرْنَا».

یعنی این‌گونه نیست که همه کارها به دست ما درست شود؛ مثل این‌که ممکن است شما همه برق‌ها را بزنید، اما از اداره برق قطع باشد. اگر از اداره برق قطع باشد، شما همه کلیدها را هم بزنید روشن نمی‌شود؛ از اداره برق قطع است. اگر خدا نخواهد، شما هرچه هم تلاش کنید، بی‌فایده است. پس ببینید این حد وسط است؛ به خاطر همین هم گفته‌اند که تلاش کنید، اما هنگام شروع آن بگویید: «إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ یعنی اگر خدا بخواهد، من این کار انجام می‌دهم.

مروری بر زندگانی معصومان علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد، با وجود این‌که مظهر دعا بودند، اما شبانه‌روز، در حال تلاش و کوشش نیز بودند. حضرت امیر علیه‌السلام نه فقط در جبهه، که در جامعه و خانه‌اش هم، مرد کار بود. هم علف پاک می‌کرد و کفش را وصله می‌کرد و هم مشک آب را برای یتیم‌ها می‌کشد؛ یعنی خدمات اجتماعی انجام می‌داد. امام باقر علیه‌السلام بیل دست می‌گرفت و در هوای داغ حجاز بیل می‌زد. کسی آمد و به امام گفت: شما از فامیل و اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از سادات قریش هستی. اگر الآن مرگ برسد، چه می‌کنی؟ دنبال دنیا هستی؟ آن حضرت فرمود: در بهترین

حالات هستم. بیل به دست دارم. کسی که بیل در دست دارد، در شریف‌ترین حالات است. و الآن اگر مرگ بیاید، استقبال می‌کنم و افتخار می‌کنم که در این حال بمیرم، چون پول تهیه می‌کنم تا به مثل تو نیاز نداشته باشم.

در روایت می‌خوانیم که دعای افرادی که بی‌کارند و هیچ تلاشی نمی‌کنند، مستجاب نمی‌شود. این مطلب ریشه قرآنی دارد، زیرا وقتی در مورد شرایط استجاب دعا به این کتاب آسمانی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که ایمان و انجام اعمال صالح را دو شرط استجاب دعا معرفی کرده و می‌فرماید: ﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾<sup>۱</sup> و کدام عمل از اصلاح امر فرج امام عصر علیه السلام، صالح‌تر است.

#### ۶. نقش توکل در زمینه‌سازی ظهور

علاوه بر تصور اشتباه درباره دعا برای فرج، که در پیش توضیح داده شد و راه‌حل آن نیز بیان گردید، یکی از مشکلات عقیدتی در باب زمینه‌سازی برای ظهور، برداشت غلط درباره توکل است. این درست است که اسلام، خداوند متعال را تکیه‌گاه انسان معرفی می‌کند، زیرا از طرفی قدرت‌ش بی‌انتهای و بر همه چیز توانا و همه قدرت‌ها از او پدید آمده است و از

---

۱. سوری، آیه ۲۶.

سوی دیگر، از همه مهربان‌تر و أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ است و تمام صفاتی که در تکیه‌گاه تزلزل‌ناپذیر لازم است، تنها در او موجود است؛ اما باید دانست که توکل در مقابل جهد و سعی نیست که آیا جهد و سعی کنیم یا توکل؟ توکل یعنی انسان همیشه به آنچه مقتضای حق است، عمل کند و در این راه به خدا اعتماد کند که خداوند حامی و پشتیبان کسانی است که حامی و پشتیبان حقند. توکل، تضمین الهی است برای کسی که همیشه حامی و پشتیبان حق است و خداوند این عالم را طوری ساخته است که همواره از کسانی که حق و حقیقت را حمایت کنند، حمایت می‌کند. حق همواره تأیید معنوی با خود دارد.

اساساً کار نکردن و راه نرفتن که تضمین، و سکون و توقف، تأیید نمی‌خواهد. رنج و مشقت‌هایی در پیمودن راه هست که اراده را سست و عزیمت را فسخ می‌کند که توکل نیاز دارد. رسول خدا ﷺ عده‌ای را دید که زراعت و کشت و کار و نمی‌کنند و به آنها فرمود: «شما چه کار می‌کنید؟» گفتند: ما توکل می‌کنیم. ایشان فرمود: «لَا بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكِلُونَ»؛ «چنین نیست؛ شما سربار مردم هستید!»

بنابراین مفهوم توکل، تسلیم حوادث شدن نیست، بلکه در عین به کار گرفتن تمام قدرت و نیرو، توجه داشته باشد که آنچه دارد از خود او نیست و آنان که فرمان خدا را زیرپا بگذارند و از فراهم کردن نیروهای مادی و معنوی غفلت ورزند، هرگز مشمول یاری او نخواهند بود.

پس توکل، هیچ ربطی به فراهم نکردن زمینه‌های ظهور ندارد، بلکه برعکس؛ باید در این جهت تلاش کرد، منتها نباید مغرور به اعمال خود شد و نه به بهانه توکل به خدا، کوشش در این راستا را تعطیل کرد.

### ۷. قرآن و مسئله امدادهای غیبی

مطلب قابل توجه در راستای فراهم کردن شرایط ظهور، جایگاه امدادهای غیبی در ظهور امام زمان علیه السلام است، چراکه برخی با خواندن روایات گزارش‌گر وقایع ظهور و رخ دادن معجزات و کرامات گوناگون چنین فهمیده‌اند که امر ظهور مهدی موعود علیه السلام کاملاً با معجزه الهی رخ خواهد داد و به همین جهت، نیازی به تلاش مردم نیست؛ در حالی که این تصور در فرهنگ قرآن کریم اشتباه و ناشی از برداشت ناصحیح درباره امدادهای غیبی است.

اصل کمک‌های غیبی و امدادهای الهی موضوعی است که نه تنها در پیشگاه قرآن مورد قبول است، بلکه طبق آموزه‌های توحیدی اسلام، نصرت حقیقی از جانب خدا بوده و انسان به امدادهای الهی در همه حال نیاز است، چه در حال ضعف و چه در حال قدرت؛ هم‌چنان‌که در جنگ بدر با مسلمانان اندک، از نصرت الهی برخوردار شدند و در جنگ حنین با تعداد زیاد، باز هم نصرت الهی به یاری آمد: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ

كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ﴾!

در میان بشارت‌های این کتاب آسمانی به مؤمنان نیز، یاری رساندن آن‌ها به شیوه‌ای غیرطبیعی و به تعبیری امدادهای غیبی است، چراکه این بشارت‌ها اثر فراوانی بر افزایش امید و تقویت روحیه مؤمنان خواهد داشت. قرآن در آیه سیزدهم سوره «آل عمران»، جریان جنگ بدر و نزول امدادهای آسمانی را برای عبرت ما چنین نقل می‌کند:

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَفْتُمُوهَا فَتَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَ عَيْنٍ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾؛ به یقین، در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبه‌رو شدند، برای شما نشانه (و درس عبرتی) بود؛ گروهی در راه خدا نبرد می‌کردند و گروه دیگر که کافر بودند (در راه شیطان و هوس خود). کفار به چشم خود، مسلمانان را دوبرابر می‌دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می‌شد) و خداوند هر کس را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند. همانا در این امر برای اهل بینش، پند و عبرت است.

در این نبرد، تعداد مسلمانان ۳۱۳ نفر بود که ۷۷ نفر آن‌ها از مهاجران و ۲۳۶ نفر از انصار بودند. پرچم‌دار مهاجران، حضرت علی علیه السلام و پرچم‌دار

۳۰ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

انصار، سعد بن عباده بود. مسلمانان هفتاد شتر، دو اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند، ولی لشکر کفر بیش از هزار رزمنده و صد اسب سوار داشت. مسلمانان در آن جنگ با دادن ۲۲ شهید - چهارده نفر از مهاجران و هشت نفر از انصار - بر دشمن کافر که هفتاد کشته و هفتاد اسیر داده بود، پیروز شدند.

در این آیه می‌خوانیم که کفار، مسلمانان را دو برابر دیدند: «يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ»؛ در حالی که این چنین نبود و آن‌جا که خدا بخواهد دیده‌ها، برداشت‌ها و افکار عوض می‌شود. بدین گونه، جنگ بدر نشان داد که اراده خداوند بر اراده خلق غالب و تنها امکانات مادی، عامل پیروزی نیست. بنابراین در اصل این مطلب تردیدی نیست.

ما هم قبول داریم که در امر ظهور و تشکیل حکومت حضرت مهدی علیه السلام امدادهای الهی هم نقش دارند، اما طبق آیات قرآنی، تحقق امدادهای غیبی نیز خود دارای شرایطی است که مردم باید آن شرایط را حاصل کنند. درباره این مطلب در بخش شرایط مردمی ظهور، به طور مفصل صحبت خواهیم کرد که برای نمونه می‌توان به یکی از آیات بیان‌کننده این مطلب که اتفاقاً از آیات مهدوی هم است، اشاره کرد؛ آن‌جا که قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا  
يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ  
مُتَسَوِّمِينَ﴾؛ البته اگر صبر و مقاومت کنید و  
پرهیزگاری نمایید (گرچه) دشمنان با خشم و  
خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با  
پنج‌هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند.

همان‌گونه که می‌بینید، در این آیه شریفه استقامت و تقوا، عامل نزول  
فرشتگان و امدادهای غیبی معرفی شده است؛ لذا در احادیث مربوط به  
وقایع ظهور، به حضور مؤمنان کارآمد که دارای شرایط، از جمله این دو  
شرط است، در کنار امدادهای الهی تصریح شده و آمده است: «سه لشکر  
برای یاری حضرت مهدی علیه السلام می‌آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از  
مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان».

در زندگی ما نیز قاعده و اصل همین‌طور است؛ کسی نگوید حال که چنین  
است، در امور شخصی هم خدا از طریق امدادهای غیبی به من کمک کند  
تا امسال بدون درس خواندن در کنکور قبول شوم و یا کشاورزی  
درخواست کند که بدون کشاورزی و فقط با امدادهای غیبی، محصول  
خوبی به دست آورد! بنا نیست خداوند عالم، دنیا و نظام موجود در آن را



۳۲ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

به هم بریزد. در قرآن کریم قدرت خدا بر اساس ربوبیت<sup>۱</sup> او و همراه با حکمت او مطرح شده است؛ کما این که در سوره انفال، وقتی خدای متعال جریان نصرت غیبی خدا در جنگ بدر را طرح می کند، می فرماید: ﴿...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۲</sup> و نصرت خویش را بر اساس عزت و حکمت، قرار می دهد.

خداوند قدرت دارد بدون درد زاییدن هم بچه بدهد، ولی حکمت خدا این را می گوید که بچه از راه درد زایمان و کشاورز از راه کشاورزی به هدفش برسد که: نابرده رنج گنج میسر نمی شود. حکمت خدا این است که انسان با دست و پا زدن و با تلاش به جایی برسد.

## ۸. شرایط نزول امدادهای الهی از منظر قرآن

حاصل مطالب پیش آن شد که امدادهای غیبی پس از آن است که ما تلاش خود را انجام دهیم و اگرچه خداوند هر کس را بخواهد یاری می کند، ولی این یاری، شرایطی دارد. فهم این مطلب در شناخت جایگاه امدادهای غیبی در امر ظهور و موفقیت حضرت مهدی<sup>عج</sup> در تشکیل حکومت عدل جهانی بسیار کارساز خواهد بود. برخی از شرایط نصرت و امدادهای الهی در قرآن عبارت است از:

---

۱. ﴿... يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾؛ آل عمران، آیه ۱۲۴.

۲. انفال، آیه ۱۰.

### ۸-۱. صبر و استقامت

انسان صابر، محبوب خدا و در پناه او و مشمول امدادهای الهی است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup> و در جایی دیگر درباره اولیای الهی ذکر می‌کند: ﴿فَصَبِّرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّىٰ أَنَاهُمْ نَصْرُنَا﴾<sup>۲</sup>؛ بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید. و نیز فرمود:

﴿إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا  
يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّن الْمَلَائِكَةِ  
مُسَوِّمِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ البته اگر صبر و مقاومت کنید و  
پرهیزگاری نمایید، (گرچه) دشمنان با خشم و  
خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج  
هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند.

### ۸-۲. یاری دین خدا

قرآن کریم، یکی از شرایط مهم ارسال امدادهای الهی را نصرت از دین و به تبع آن، ولی خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

---

۱. بقره، آیه ۲۴۹.

۲. انعام، آیه ۳۴.

۳. آل عمران، آیه ۱۲۵.

وَ يُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ<sup>۱</sup>؛ اگر خدا را یاری کنید، یاری تان می کند و گام های تان را استوار می دارد.

### ۳-۸. جهاد و مبارزه با دشمن

جبهه های جنگ نیز در حقیقت، بستر نزول امدادهای الهی است، زیرا قرآن کریم می فرماید:

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِيهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ<sup>۲</sup>؛ با آنان بجنگید، تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان کند و شما را بر ایشان پیروزی بخشد.

### ۴-۸. تقوای الهی

یکی از آثار مبارک تقوای الهی و پرهیزگاری که قرآن جایگاه بزرگی برای آن قائل شده است - علاوه بر آثار دیگری که بر آن مترتب است، جلب رحمت و کمک ویژه پروردگار عالم است. خداوند رؤف در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران می فرماید:

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ<sup>۳</sup>؛ البته اگر صبر و مقاومت کنید و

---

۱. محمد، آیه ۷.

۲. توبه، آیه ۱۴.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۳۵

پرهیزگاری نمایند، (گرچه) دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند.

### ۵-۸. مجاهدت و تلاش

در فرهنگ قرآنی، تلاش انسان، نشانه صداقت اوست و همین صداقت است که باعث نزول امدادهای غیبی می‌شود، کما این که قرآن می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup> و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

### ۶-۸. ایمان به پروردگار

قرآن کریم در سوره «کهف» و در احوالات اصحاب کهف، ایمان مثال‌زدنی ایشان را عاملی برای عنایت ویژه خدا به آن‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى وَ رَبَّنَا عَلَّمِي قُلُوبِهِمْ﴾<sup>۲</sup>؛ آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم.

---

۱. عنکبوت، آیه ۶۹

۲. کهف، آیات ۱۳-۱۴.

### ۷-۸. عدم ارتباط با کافران

نکته بسیار جالبی که قرآن مکرراً تعلیم می‌دهد آن است که می‌فرماید با کفار رابطه ولایت نداشته باشید، تا امدادهای غیبی خدا به سوی شما سرازیر شود: ﴿لَا تَتَّخِذُوا... يَأْتِي بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ﴾، زیرا در غیر این صورت، هرکس به سراغ کفار برود، خداوند او را به حال خود رها و از امدادهای غیبی خود محروم می‌سازد: ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ﴾<sup>۲</sup>.

### ۸-۸. انجام تکلیف

مطابق فرهنگ قرآنی، ما باید به وظیفه خود عمل کنیم و آن‌گاه در انتظار امدادهای او باشیم. در آیه ۹۳ سوره «هود» و در احوال حضرت شعیب علیه السلام به این امر این‌گونه اشاره شده است:

﴿وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾؛ و (شعیب گفت:) ای قوم من! (پس) هرچه در توان دارید انجام دهید، من (نیز)

۱. مائده، آیه ۵۲.

۲. آل عمران، آیه ۲۸.

کار خودم را خواهم کرد. به زودی خواهید دانست (که) عذاب خوارکننده به سراغ چه کسی خواهد آمد و چه کسی دروغ‌گوست. شما در انتظار باشید، من (نیز) همراه شما منتظرم.

### ۸-۹. استغفار و توبه

در پیشگاه قرآن، استغفار، رزق و امدادهای غیبی را در پی دارد. در این کتاب آسمانی آمده است:

﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً﴾؛ استغفار کنید، زیرا خداوند غفار و بخشنده است، تا آسمان را به باران فراوان بر شما بگمارد و شما را به مال‌ها و فرزندان کمک کند و برایتان باغ‌ها و جویبارها پدید آرد.

موارد دیگر و نیز بررسی بیشتر آن‌ها را در بخش شرایط انسانی ظهور، ذکر خواهیم کرد.

### ۹. حقیقت انتظار، یعنی تلاش برای آمادگی و زمینه‌سازی

یکی دیگر از موضوعاتی که در بیان بهتر بحث شرایط ظهور به ما کمک می‌کند، توجه به مفهوم و لوازم انتظار ظهور است، زیرا در روایات

معصومان علیهم السلام توجه بسیاری به این موضوع شده است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که روزی آن حضرت فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن، هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟» عرض کردم: بفرمایید! فرمود:

گواهی دادن بر این که هیچ معبودی جز خدا نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده [و فرستاده] اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند امر فرموده و ولایت برای ما و بیزاری از دشمنان ما - امامان - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و کوشش و خویشتن‌داری و انتظار حضرت قائم.<sup>۱</sup>

هم‌چنین از امام رضا علیه السلام روایت شده است:

چقدر صبر پیشه گرفتن و انتظار فرج کشیدن نیکو است! آیا نشنیده‌اید که عبد صالح فرمود: ﴿انْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾؛<sup>۲</sup> پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم.<sup>۳</sup>

و نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛<sup>۴</sup> انتظار فرج و گشایش، برترین عبادت است.

---

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۲. اعراف، آیه ۷۱.

۳. عروسی حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۴۴.

۴. نهج الفصاحه، ح ۴۰۹.

اصولاً هر کسی در زندگی مادی انتظار و امیدی دارد و البته زندگی به این امیدهاست. اگر چراغ امید خاموش شود، دیگر کسی دنبال کاری نمی‌رود؛ منتها باید دید که چه انتظاری ارزش دارد؟ همه افراد امید دارند، اما روشن فکر، کسی است که در انتظار صلح جهانی باشد و برای همه مردم فکر کند. اگر خواستید ببینید فردی چقدر ارزش دارد، ببینید آرزویش چیست. آرزوی یک بچه، آدامس است؛ اما هرچه روح بزرگ‌تر شود، امیدهای او هم بزرگ‌تر می‌شود. بزرگ‌ترین افراد کسانی هستند که در انتظار حضرت مهدی عج باشند، چون انتظار حضرت یعنی امید جهانی، خیر جهانی، عدالت جهانی، امنیت جهانی. هرچه آرزو کوچک‌تر باشد، شخص کوچک‌تر است و هرچه آرزو بزرگ‌تر باشد، شخص بزرگ‌تر است. انتظار حضرت مهدی عج، یعنی انتظار همه خوبی‌ها و محو همه بدی‌ها.

در عین حال باید دانست که انتظار، عمل است، زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و نمی‌گویند «افضل الحالات»؛ پس انتظار عمل است، نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که منتظر مسافرش است و کشاورزی که منتظر میوه است، آسوده‌خاطر نمی‌نشیند. ما که منتظر آقا هستیم، باید رفتارمان با رفتار آقا سنخیتی داشته باشد؛ پس منتظر یعنی انسان تلاش‌گر.

انتظار یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و معرفت. انتظار یعنی من منتظرم جهانی پر از عدل شود. در «دعای افتتاح» که منسوب به امام عصر عج است، می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو الْيَوْمَ»؛ یعنی



خدایا! من شکایت می‌کنم و نظام‌های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول ندارم. اگر کسی بپرسد که چه حکومتی را قبول دارید؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ».

دعای ندبه یعنی دعای اعتراض بر طاغوت‌های جهان و دعای انتظار و امید به آمدن حکومت حق. اگر جمع می‌شویم و دعای ندبه می‌خوانیم و در فکر حکومت حق هستیم، باید در فکر تلاش برای زمینه‌سازی آن حکومت هم باشیم.

در زمانی که استاد شهید مطهری در تهران بودند و برای تدریس از آن‌جا به قم تشریف می‌آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سؤالات زیادی را از ایشان می‌پرسیدم که یکی از آن‌ها دربارهٔ انتظار ظهور بود. ایشان دربارهٔ حقیقت انتظار، مثلی را از مرحوم حجة الاسلام راشد که قبلاً در رادیو سخنرانی می‌کرد و مرد دانشمندی بود، نقل کردند که می‌گفت: وقتی شب می‌شود، همهٔ ما در انتظار خورشید هستیم، اما معنای منتظر خورشید بودن این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم وظیفهٔ ما این است که بلند شویم و کاری انجام دهیم و برقی را روشن کنیم.

کسی که منتظر مصلح است، باید صالح باشد. انسان‌های بی‌تفاوت، بی‌غیرت، بی‌پول و بی‌قدرت که نمی‌توانند بگویند: یا حجة بن الحسن، تشریف بیاور! کسانی که در انقلاب و نظام اسلامی نقشی نداشته و ندارند، اول از خدا بخواهند که به آن‌ها نقشی بدهد و بعد دعای ندبه بخوانند. وقتی می‌گوییم: مهدی بیا، حضرت بیاید چه کند؟ لابد می‌گویید او خواهد

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم ————— ۴۱

آمد تا از حق مردم دفاع کند. خیلی خوب، وقتی هشت سال جنگ تحمیلی بود، شما چقدر از حق دفاع کردید؟ در این حوض چقدر شنا کردی که حالا می‌گویی: اقیانوس اطلس! کسانی که در انقلاب هیچ نقشی نداشتند، اصلاً رویشان نمی‌شود که بگویند: مهدی بیا!

در بسیاری از آیات مهدوی که مربوط به منتظران ظهور است نیز همین آمادگی دیده می‌شود؛ برای مثال قرآن می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
الْجَحِيمِ﴾؛ و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان  
آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا  
صداقتند و نزد پروردگارشان گواهانند، پاداش و  
نورشان را دارند و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما  
را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخند.

حارث بن مغیره از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است:

کسانی که از شما عارف به این امر (امامت  
اهل بیت علیهم السلام) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک  
دارند، به خدا قسم مانند آن کسی است که به همراه

قائم آل محمد علیهم السلام جهاد کرده است. سپس فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شمشیرش جهاد کرده است. آن گاه برای مرتبه سوم فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که در خیمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به درجه شهادت رسیده است و درباره شما آیه‌ای در قرآن هست. عرض کردم: کدام آیه؟ ایشان فرمود آیه: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾<sup>۱</sup>؛ و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا صداقتند و نزد پروردگارشان گواهانند، پاداش و نورشان را دارند؛ آن گاه فرمود: به خدا قسم نزد خداوند، صادقین و شهدا محسوب می‌شوید.<sup>۲</sup>

ملاحظه می‌کنید که در آیه‌ای که در شأن منتظران ظهور است، وصف «صدیق» برایشان آورده شده و «صدیق» به کسی گفته می‌شود که سر تا پا راستی و درستی است و دل و زبان و عمل او یکی است و صداقت جزء خلق و خوی او شده است. معلوم است که کسب این خصلت عالی، خود نشانه آمادگی برای ظهور امام حق خواهد بود.

۱. حدید، آیه ۱۹.

۲. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۳۶.

### ۱۰. وظیفه ما در مسئله ظهور

در بحث ظهور، دانستن این که امام زمان علیه السلام در چه زمانی ظهور می کنند و یا این که اکنون در کجا زندگی می کنند، ارزش چندانی ندارد، آنچه ارزش مند است آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشیم، زیرا انجام وظیفه بهترین راه برای زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است؛ لذا شناخت وظیفه، لازم ترین مطلب در زمان غیبت امام است که ما به برخی از آن ها به صورت فهرست وار اشاره می کنیم و توضیح آن بعداً خواهد آمد:

- شناخت امام زمان علیه السلام و اهداف او کما این که در دعا آمده است: «اللهم عَرَفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>۱</sup>.
- معرفی و شناساندن امام زمان علیه السلام و انقلاب جهانی او به دیگران و ایجاد زمینه های لازم برای ظهور.
- تلاش در جهت جلب رضایت امام زمان علیه السلام با انجام اعمال صالح و ارتباط معنوی.
- انتظار فرج و دعا برای ظهور حضرت.
- صدقه دادن و دعا کردن برای سلامتی امام.
- خواندن نماز و دعاهای فرج، ندبه، عهد و سلام کامل.
- پرداخت حقوق مالی (خمس) متعلق به امام زمان علیه السلام.

---

۱. مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز.

– عمل به تکلیف و واجبات و دوری از گناه و محرّمات.  
مسلماً تاجری که کلاه برداری می کند، منتظر ظهور امام زمان علیه السلام نیست.  
کسانی که کم کاری، کم فروشی، بدکاری و خیانت می کنند، منتظر امام  
زمان علیه السلام نیستند.

### ۱۱. لزوم توجه به شرایط ظهور، نه علائم ظهور

ملاحظه می کنید که اگر عمل به وظیفه در عصر غیبت، محور فعالیت های  
ما باشد، یکی از وظایف ما زمینه سازی برای ظهور است و در این صورت  
آنچه باید مورد توجه باشد، توجه به شرایط ظهور است، نه علائم و  
نشانه های ظهور؛ موضوعی که متأسفانه به خاطر بی توجهی بسیاری از  
شیعیان آن حضرت، مورد غفلت قرار گرفته و به جای پرداختن به  
شناسایی و فراهم کردن شرایط ظهور، مسائل علائم ظهور مورد اهتمام  
آنها قرار می گیرد.

عدم ظهور حاکی از آن است که آمادگی جهانی هنوز مشاهده نمی شود؛  
لذا باید تلاش کرد و زمینه های لازم را برای آن فراهم ساخت. حضرت  
ولی عصر علیه السلام وقتی ظهور می کند که مردم به معارف و اندیشه های قرآن و  
اسلام آگاه و آمادگی حکومت ایشان را داشته باشند.

کسانی که منتظر مصلح هستند، باید خودشان هم آدم صالحی باشند.  
نمی شود آدم منتظر مصلح باشد، ولی خودش صالح نباشد. کسی که منتظر  
مصلح است، باید خودش هم صالح باشد. نمی شود صبر کنیم امام زمان  
بیاید و درست کند. ما منتظر خورشید هستیم، اما شب هم خودمان چراغ  
روشن می کنیم. هم منتظر خورشید هستیم و هم شب، خودمان چراغ  
روشن می کنیم. هم منتظر امام زمان علیه السلام هستیم و هم باید تلاش کنیم.

---

**بخش دوم: شرایط ظهور امام زمان علیه السلام**

---

## مقدمه

با توجه به مطالبی که پیش تر بیان شد، ظهور امام زمان علیه السلام نیازمند وقوع شرایطی است که برخی از آنها از جانب خدا و برخی دیگر نیازمند فراهم شدن آن به دست انسان‌هاست. این شرایط در آیات قرآن و به تبع آن در احادیث بیان شده است. آنچه در ادامه می‌آید، شمارش و بررسی شرایط الهی و انسانی ظهور است.

## الف) شرایط الهی ظهور

گفته شد که برای ظهور امام عصر علیه السلام شرایطی باید حاصل شود که تحقق برخی از آنها از جانب خدا و برخی دیگر از جانب انسان‌هاست. از شرایط انسانی ظهور در آینده سخن خواهیم گفت، اما برخی از مهم‌ترین شرایط الهی ظهور عبارتند از:

### ۱. اراده پروردگار

از آموزه‌های اصیل قرآنی آن است که تمام حوادث جهان به اذن و اراده خداوند به وجود می‌آید و اگر او نخواهد، هیچ چیزی حادث نخواهد شد. این همان چیزی است که از آن به توحید افعالی یاد می‌شود. در حقیقت خواست انسان، نه مستقل از خواست خداوند است و نه برتر از آن، بلکه آنچه انسان می‌خواهد، اگر مورد خواست خداوند نیز قرار گیرد، محقق

می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ و شما نمی‌خواهید جز آنچه خداوند، پروردگار جهانیان بخواهد.

چون خداوند، ربّ العالمین است و بر همهٔ امور تسلط دارد، پس خواست انسان نیز مشروط به خواست اوست؛ مثل این‌که در ماشین‌های تعلیم رانندگی، دو دستگاه گاز و ترمز وجود دارد؛ یکی زیر پای کارآموز و دیگری زیر پای مربّی. در این ماشین، کارآموز می‌تواند از گاز و ترمز سمت خود استفاده کند، ولی به شرط آن‌که مربّی هم بخواهد. یا نظیر چک‌های دوامضایی که هریک از دو صاحب امضا می‌تواند امضا کند، اما اثر و پرداخت چک زمانی است که دیگری نیز آن را امضا کرده باشد.

در وقوع ظهور حضرت ولیّ عصر<sup>علیه السلام</sup> نیز همین‌طور است و اگر ما از شرایط ظهور صحبت می‌کنیم، بدان معنا نیست که ارادهٔ مستقلی داریم و در صورت فراهم شدن شرایط، خداوند مجبور است که ظهور را محقق کند، بلکه به این معناست که خواست مردمی در تعلق ارادهٔ خدا به ظهور مؤثر است و البته اصل تحقق ظهور به اذن و مشیت پروردگار خواهد بود. در میان آیات مهدوی بیان‌کنندهٔ شرایط الهی ظهور امام زمان<sup>علیه السلام</sup> نیز مواردی یافت می‌شود که به این مطلب اشاره دارد. یکی از این آیات، آیهٔ نهم از سورهٔ مبارکه «صف» است؛ آن‌جا که می‌فرماید:



﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق (به سوی مردم) فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند.

در روایات متواتر می‌خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت. حضرت علی علیه السلام فرمود:

به خداوندی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و روستایی باقی نمی‌ماند، مگر آن که هر صبح و شام صدای اذان و شهادتین در آن شنیده خواهد شد.<sup>۱</sup>

تاریخ اسلام، تحقق این آیه را به اثبات رسانده است، زیرا با این که دشمن از طریق استهزا و اذیت و شکنجه، محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل جنگ‌ها، توطئه‌های داخلی منافقان، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، به راه انداختن جنگ‌های صلیبی، ترویج فحشا و منکرات، استعمار نظامی و سیاسی لحظه‌ای کوتاهی نکرده، ولی اسلام روز به روز توسعه پیدا کرده است. نکته‌ای که در این آیه وجود دارد، همان اصیل بودن اراده الهی است که با عبارت: «هُوَ الَّذِي»؛ او کسی است که... بر این که اصل تحقق حاکمیت دین حق، متوقف بر اراده حضرت حق است، تصریح دارد.

۱. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۷.

## ۲. وجود رهبری معصوم، توانا و آگاه برای جهان

یکی دیگر از شرایط ظهور و حاکمیت حق بر جهان که تحقق آن تنها به دست خداست، وجود رهبری است که توانایی اداره جهان را بر اساس دستورهای الهی و دین حق داشته باشد. شایان ذکر است، وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار و جامعه بدون امام، یعنی هرج و مرج. حضرت علی می‌فرماید: «لابد للناس من امیر برّ کان او فاجر»<sup>۱</sup> برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد.

اساساً دین و مکتب یا باید هماهنگ با خواسته‌های درونی و حوادث خارجی و به اصطلاح، رشد آور، رشد دهنده و به روز باشد و یا باید فقط قوانینی مقطعی و خشک باشد که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده شده و به اصطلاح ایستا باشد. اگر در کنار مکتب، امامی با شرایط ویژه بود، مکتب از نوع اول، وگرنه از نوع دوم خواهد بود؛ به همین دلیل امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

انّ الامامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین؛<sup>۲</sup> امامت و رهبری حق، زمام دین است و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و عزّت مؤمنین است.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶.

حقیقتاً چیزی که بتواند همهٔ احتیاجات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی کاروان بشریت را تأمین کند، تنها امامت است؛ درست همان گونه که شنا در استخر نیاز به مربی و ناجی دارد و گذر از دریا نیاز به کشتی و ناخدا. خلاصه آن که در هر حرکت مادی یا معنوی، چند چیز مطرح است: راه و مسیر؛ وسیله و ابزار؛ هدف و مقصد و نهایتاً رهبر و راهنما. در این میان، نقش راهنما از همه مهم تر است، زیرا اگر او نباشد هم راه را گم می کنیم، هم هدف را و هم وسیله ها بی جهت به کار می افتد. امام راهنمای جامعه در حرکت به سوی خداست. لازمهٔ چنین امری آن است که این امام و رهبر، اولاً، عالم و آگاه به همهٔ قوانین و خواسته های پروردگار و سنت های الهی در هستی باشد؛ ثانیاً، عادل بوده و تحت تأثیر هواها و امیال نفسانی خویش قرار نگیرد تا بتواند در پیاده کردن احکام الهی موفق باشد. حال، سؤال این جاست که چگونه می توان چنین شخصی را شناسایی و به حاکمیت دولت حق منصوب کرد؟

بهترین شیوهٔ تعیین رهبر و مقام مسئول در جوامع امروز انتخابات است، ولی شکی نیست که انتخابات راه حل است، اما همه جا راه حق نیست. هیچ برهان و دلیل علمی و عقلی، لیاقت، صلاحیت و حقانیت شخص انتخاب شده را تأیید نمی کند، گرچه در مقام عمل، رأی اکثریت مورد نظر قرار می گیرد و بهترین راه حل است؛ علاوه بر آن که، این توجه به رأی

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم ————— ۵۱

اکثریت، تنها در مسائل اجتماعی است و در مسائل اعتقادی، رأی اکثریت هیچ ارزشی ندارد و گرنه باید پیامبران دست از دعوت خود برداشته و تابع رأی اکثریت که کافر یا مشرک بودند، می شدند. چنان که در سوره «انعام» می خوانیم:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ ای پیامبر! اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند، زیرا آنها تنها از گمان و حدس پیروی می کنند.

بنابراین، در مسئله بسیار حساس و اساسی امامت، که امری اعتقادی است، رأی و انتخاب مردم نقشی ندارد و تعیین آن به عهده خداوند است. البته بیعت مردم با امام، زمینه را برای اعمال حاکمیت امام فراهم می کند، نه آن که امام با رأی مردم امام می شود و با اعراض مردم از امامت ساقط می شود.

راستی که انسان محدود با نداشتن علم غیب و اطلاع از آینده و باطن افراد، چگونه می تواند نظر صد در صد صحیحی درباره شخصی داشته

---

۱. انعام، آیه ۱۱۵.

باشد؟! مگر انگیزه‌ها، حالات و عمل کرد انسان‌ها با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف تغییر نمی‌کند؟ چگونه می‌توان با یکسری شناخت‌های سطحی، سرنوشت رهبری امت را با انتخابات معین کرد؟ آری، انتخابات می‌تواند راه‌حل باشد، اما همه‌جا راه حق نیست.

بنابراین، وقتی مشخص شد که مسئله امامت از اساسی‌ترین مسائل اعتقادی و عامل هدایت و رشد جامعه است و جامعه نیاز به رهبر دارد، زیرا سقوط و یا رشد جامعه به رهبری آن بستگی دارد، باید بگوییم که تعیین امام تنها از طرف خداست، زیرا امام باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد که جز خدا کسی واقف به آن‌ها نیست؛ از جمله آن‌که:

- امام باید تمام قوانین حاکم بر انسان و هستی را بداند.

- امام باید از نتیجه حتمی راهی که انتخاب می‌کند، آگاه باشد.

- امام باید در رهبری خود منافع خود را در نظر نگیرد و عوامل درونی و بیرونی محرک او نباشد.

- امام باید از عالی‌ترین صفات برجسته انسانی در حد اعلا برخوردار باشد و ناگفته پیداست که این شرایط در افراد معمولی یافت نمی‌شود و مردم نیز از وجود این شرایط در افراد بی‌خبرند.

بنابراین، راه حق در شیوه تعیین امام، همان راه تعیین پیامبر است، زیرا ما امامت را همچون نبوت و امام را همچون پیامبر و دلیل نیاز به امام را

همانند دلیل نیاز به پیامبر می دانیم و کار امام نیز شبیه کار پیامبر، هدایت و رشد مردم و نشان دادن راه سعادت است؛ بنابراین، همان دلایلی که در بحث نبوت آوردیم، در این جا نیز می توانیم مورد استفاده قرار دهیم، اگر باور کردیم که امامت، مقامی انتصابی است نه انتخابی؛ بنابراین، در مقابل انتصاب الهی مردم اختیاری ندارند.

از سویی، به دلیل این که همه مردم در همه زمان ها به چنین کسی نیازمندند و چه بسا که سایر شرایط مردمی ظهور فراهم شود، باید فردی در هر زمانی با خصوصیات ذکر شده وجود داشته باشد و آن شخص در زمان ما وجود مبارک حضرت حجت بن حسن علیه السلام است که خود او نیز در انتظار فرج و تشکیل حکومت عدل جهانی به سر می برد. بر اساس دلایل قرآنی، روایی و تاریخی، یازده امام به دنیا آمده و شهید شده اند، ولی امام دوازدهم پس از تولد به خواست خداوند از دیدگان غایب گشته اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند، ظهور و دنیا را پر از عدل و داد کند.

### ۳. داشتن برنامه و قوانین جامع برای جهان

یکی دیگر از شرایط تشکیل حکومت عدل جهانی که در حقیقت، زمینه ساز رشد و تعالی انسان هاست، وجود برنامه و قوانینی جامع و کامل است که تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت باشد؛ چیزی که در آیات قرآنی مربوط به حکومت امام زمان علیه السلام از آن تعبیر به «دین الحق»<sup>۱</sup> شده است.

---

۱. توبه، آیه ۳۳.

حال سخن این جاست که این برنامه جامعه را چه کسی یا کسانی می‌توانند تدوین کنند؟ آیا راه‌کارهای علم و عقل کافی است؟  
حقیقت این است که علم و عقل آدمی به دلایل زیر، ما را از پیامبران و آموزه‌های وحیانی ایشان بی‌نیاز نمی‌کند:

### ۱-۳. محدودیت علم انسان

هر روز شاهدیم که به تعداد دانشکده‌های تخصصی اضافه می‌شود و اختراعات و اکتشافات جدیدی نصیب انسان می‌گردد، اما واگذار کردن انسان به علم و عقل خود در حقیقت، در سنگلاخ قرار دادن و گنج کردن اوست، زیرا فهم، علم و فکر مردم متفاوت است؛ حتی بیشتر درگیری‌ها و اختلافات خطرناک از افراد عاقل و آگاه سرچشمه می‌گیرد! علم و عقلی که مایه ایجاد این همه درگیری است، چگونه می‌تواند برطرف‌کننده نزاع‌ها و تفاوت‌ها باشد؟ هر کسی چیزی را خیر می‌داند که چه بسا دیگری آن را نمی‌فهمد.

### ۲-۳. فراوانی موانع شناخت

یکی از بحث‌هایی که در موضوع شناخت مطرح می‌شود، موانع شناخت است. هنگامی انسان، حق را درک می‌کند که مانعی در مسیر شناخت او نباشد. انسان با داشتن عقل، فکر و قدرت تحصیل، گاهی چنان در مسیر طوفان غرایز قرار می‌گیرد که قدرت شناخت واقعیت را از دست می‌دهد.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۵۵

متأسفانه آن قدر عینک‌های رنگارنگ جلوی چشمان ما قرار می‌دهند که درست تشخیص نمی‌دهیم! چه بسا چیزهایی را حق می‌بینیم که باطل هستند و چیزهایی را باطل تشخیص می‌بینیم که حق هستند؛ برخی را دوست می‌پنداریم که دشمنند و برخی را دشمن خیال می‌کنیم که دوست هستند. کوتاه سخن آن‌که، چون انسان محکوم غرایز است و واقعیت‌ها را همه‌جا چنان که هست، نمی‌بیند و گاهی برخلاف شناخت صحیح عمل می‌کند، حق قانون‌گذاری ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ان الحكم الا لله﴾!

### ۳-۳. تأخیر در فهم

گاهی به مرور زمان و با پیشرفت علم، دست انسان به واقعیاتی می‌رسد، لکن گناه صدها سال تأخیر دست‌رسی را به عهده چه کسی بگذاریم؟ ده‌ها دستور در اسلام داریم که مرور زمان و پیشرفت علم از روی اسرار آن پرده برداشته، ولی پیروان مکتب انبیا از همان روز اول در مسیری قرار گرفتند که دانشمندان متکی به علم و تجربه، خود پس از قرن‌ها به آن رسیدند.



### ۴-۳. درک معنویات

انسان با علم، عقل، مشورت و بررسی‌های خود تنها در مسائل محسوس و مادی می‌تواند گام بردارد و راهی را انتخاب کند، اما در شناخت سعادت ابدی و رشد معنوی و تربیت روحی که دست انسان از آن‌ها کوتاه است، جز طریق وحی و راه انبیا راهی ندارد. کسانی که خود را از مکتب وحی و راه انبیا بی‌نیاز می‌دانند، برای زندگی خود قوانینی از این قبیل تدوین می‌کنند:

۱. قوانین استبداد فردی که از ارادهٔ یک فرد خودکامه سرچشمه می‌گیرد و ضعف، نارسایی، تحمیل، خفقان، تنگ‌نظری و... به همراه دارد.

۲. قوانین استبداد طبقاتی که تنها یک طبقه آن را وضع می‌کنند، و ناگفته پیداست که این سری قوانین تنها مصلحت یک طبقه و قشر خاص را در نظر می‌گیرد و تحت تأثیر همان طبقهٔ حاکم است.

۳. قوانین ملی که برخاسته از آرای ملت است؛ خواه این قوانین با حقیقت و مصلحت توأم باشد یا نباشد. دنیای امروز این نوع سوم را مترقی‌ترین قوانین می‌دانند، در حالی که هیچ‌یک از قوانین بشری جامع و کامل نیست و به همهٔ ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان اشراف ندارد، زیرا افرادی که به اتکای علم و عقل خود برای ما قانون وضع کرده‌اند، چگونه تمام ابعاد انسان را شناخته و نیازش را دانسته‌اند؟ آیا به راستی، خیرخواه بشر بوده‌اند؟ چگونه مطمئن باشیم خطا نکرده‌اند؟ شاید منافع فرد یا گروه

خاصی را در نظر گرفته باشند و محیط و نظام خانوادگی یا قبیله‌ای یا اقتصادی، مسیر شناخت واقعی آنان را عوض کرده و فشارها و محیط بر قانون‌گذاری آن‌ها اثر گذاشته باشد. از کجا معلوم که تحت تأثیر غرایز شیطانی و طاغوت‌ها قرار نگرفته‌اند؟ از کجا مطمئن شویم که بازتاب و عکس‌العمل این دستورات دیر یا زود به ضرر فرد یا جامعه منتهی نخواهد شد؟

### ویژگی‌های قانون‌گذار

با توجه به مطالبی که بیان شد، نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار زندگی بشر باید شرایط و امتیازات ذیل را داشته باشد:

۱. علم و احاطه کامل به تمام نیازهای ظاهری و باطنی انسان؛

۲. لطف و مرحمت کامل نسبت به انسان؛

۳. عدالت کامل و ترجیح ندادن تمایلات بر مصلحت و حقیقت.

ناگفته پیداست که چنین قانون‌گذاری، کسی جز خدای متعال نیست که پیام‌ها، راهنمایی‌ها و قوانین او به وسیله انبیا به انسان می‌رسد. آری، پیامبران به منزله دستگاه گیرنده‌ای هستند که در پیکره جامعه بشریت کار گذاشته شده‌اند و پیام‌های الهی را می‌گیرند و به مردم می‌رسانند.

از میان همه پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، خاتم پیامبران و کتاب آسمانی او، یعنی قرآن، آخرین و کامل‌ترین نسخه و برنامه جاودانه بشریت از سوی خداست و در زمان حکومت مهدوی نیز معیار و مبنای حکومت وی خواهد بود.

۵۸ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه که گفته شده امیرالمؤمنین علیه السلام در آن به سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام اشاره فرمودند، آمده است که ایشان: «يُعْطَفُ الرَّأْيُ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ»؛ رأی مردم را به قرآن برمی گرداند، در زمانی که آن‌ها قرآن را به رأی و اندیشه (خود) مبدل کرده باشند:

هنگامی که مردم از قرآن چشم پوشیده و امور را طبق اندیشه نادرست خود انجام دهند، ایشان را از به کار بستن اندیشه‌های نادرست، نهی و به رجوع به قرآن وامی دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار کرده و مخالف آن را دور اندازند.

علاوه بر آن، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به آموزش عمومی قرآن نیز اهمیت فراوانی داده می‌شود؛ کما این که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، خیمه‌هایی بزند و قرآن را به ترتیبی که فرود آمده بر مردم بیاموزد.

امام موعود، همراه همیشگی قرآن است، چراکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر و در ضمن خطبه معروف خود، پس از آن که حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم وی را برادر و جانشین خود معرفی کرد، قرآن کریم را همراه همیشگی آنان و از جمله حضرت مهدی علیه السلام معرفی کرده و فرمود:

---

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

علي أَخِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ  
وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ  
تَسْعَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ الْقُرْآنَ مَعَهُمْ وَ هُمْ  
مَعَ الْقُرْآنِ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ حَوْضِي.<sup>۱</sup>

هم چنین امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به قرآن خدا و سنت پیغمبرش، در دل مهدی ما رشد کند؛ چنانچه بهترین زراعت‌ها به بهترین وجه رشد کند.»<sup>۲</sup>

دلیل این همه توجه به قرآن کریم، بدین جهت است که:

- قرآن، کتاب هدایت است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى  
لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۳</sup>

- قرآن، کتاب شفا و درمان دردهاست: ﴿وَ نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ  
رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۴</sup>

- قرآن، کتاب بشارت و انذار است: ﴿لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بَشِّرِ  
لِلْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۵</sup>

---

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳. بقره، آیه ۲.

۴. اسراء، آیه ۸۲.

۵. احقاف، آیه ۱۲.

- قرآن، کتاب دوستی با نیکان است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.<sup>۱</sup>
- قرآن، کتاب سفارش به نیکی هاست: ﴿و بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا﴾.<sup>۲</sup>
- قرآن، کتاب تعقل و تفکر است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾.<sup>۳</sup>
- قرآن، کتاب دعوت به عمل است: ﴿لَمَّ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾.<sup>۴</sup>
- قرآن، کتاب جهاد و مبارزه است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ﴾.<sup>۵</sup>

در این کتاب، هم رابطه انسان با خدا بیان شده (عبادات)، هم رابطه انسان با خلق خدا (تعلیم، تعلّم، عفو، انفاق، ایثار، تعاون و...) و هم رابطه انسان با طبیعت (تسخیر و عمران و احیا و بهره‌گیری دور از اسراف و تبذیر).

در این کتاب، رابطه انسان با مخالفان و منافقان بیان شده است که: آنان را

---

۱. بقره، آیه ۱۹۵.

۲. بقره، آیه ۸۳.

۳. یوسف، آیه ۲.

۴. صف، آیه ۲.

۵. صف، آیه ۴.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۶۱

با حکمت، موعظه و مجادله نیکو، به حق دعوت کنید و با مفسدانی که همچون خارِ سر راه، مانع قبول حق برای توده محروم هستند و با یاغیان جامعه مبارزه کنید.

قرآن، کتاب سیاست و حکومت است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ﴾<sup>۱</sup> کسانی که می‌گویند: دین از سیاست جداست، معنای سخنان این است که بخشی از آیات قرآن حذف شود! قرآن، میزان و ملاک و معیار است؛ وسیله سنجش است. به ما فرموده‌اند: معیارتان قرآن باشد. هر حدیثی که شنیدید و یا دیدید، با قرآن بسنجید؛ اگر مطابق قرآن بود، بپذیرید و در غیر این صورت، آن را دور بریزید: «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»<sup>۲</sup> نه تنها حدیث، بلکه هر نوع گفتار و نوشتاری را باید با قرآن بسنجید. همه ارزش‌ها را باید با قرآن بسنجیم.

سخن آخر آن‌که، وجود قوانین جامع که یکی از شرایط ظهور و تشکیل حکومت جهانی است و البته باید از ناحیه خداوند رب العالمین در اختیار بشریت قرار داده شود، نیز فراهم است.

---

۱. نساء، آیه ۱۰۵.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹.

## ۴. امداد الهی و غیبی

یکی دیگر از لوازم و شرایط تحقق ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام، وجود کمک‌های الهی و امدادهای غیبی است، چراکه بدون یاری و عنایت ویژه پروردگار، پیروزی در چنین میدان بزرگ و وسیعی که دشمنان ایشان با انواع ترفندها و جمع‌آوری نیروها، سعی در شکست آن حضرت دارند، ممکن نخواهد بود؛ لذا در بسیاری از روایات مهدوی که درباره وقایع ظهور بیان شده، به وجود این امدادهای الهی تصریح شده است.

ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

هر گاه قائم آل محمد خروج کند، خداوند او را با ملائکه  
مُسومین، مُردفین، مُنزَلین و کُروبین یاری خواهد فرمود.  
جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل  
در سمت چپ او قرار دارند و رعب و هیبت او به فاصله یک  
ماه راه، پیشاپیش و پشت سر و از راست و چپ او حرکت  
می‌کند (یعنی شعاع هیبتش تا بعد یک ماه راه را زیر پوشش  
می‌گیرد) و فرشتگان مقرب در برابر او خواهند بود.<sup>۱</sup>

---

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴.

و فرمود:

ملائکه‌ای که حضرت محمد ﷺ را در روز بدر نصرت کردند، در زمین هستند و هنوز بالا نرفته‌اند و به آسمان نروند تا این که صاحب این امر (یعنی ولی عصر عجل الله فرجه) را نصرت کنند و آن‌ها پنج هزار نفرند.<sup>۱</sup>

در احادیث دیگری بیان شده که این امدادها به صورت‌های گوناگونی، نظیر: الهام خداوند به دل‌های مؤمنان، ایجاد رعب و وحشت در دل‌های دشمنان، آرامش دل در اوج مصیبت و سختی و... خواهد بود. همه این‌ها باعث شده که از عبارت «منصور به رعب بودن»، به یکی از ویژگی‌های قائم آل محمد عجل الله فرجه یاد شود، کما این که امام پنجم شیعیان فرمود:

القَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ  
الأَرْضُ وَ تَطْهَرُ لَهُ الكُنُوزُ؛<sup>۲</sup> قائم ما منصور به رعب است و  
مؤید به نصر؛ زمین برای او درنوردیده شود و گنج‌های خود  
را ظاهر سازد.

البته نزول این امدادها، بی حکمت و بی ضابطه نیست، بلکه بستگی به فراهم شدن شرایطی دارد که مهم‌ترین آن‌ها قبلاً بیان شد.

---

۱. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.



### ب) شرایط انسانی ظهور

پیش‌تر گفته شد که به دلیل جریان نظام اسباب و مسببات در هستی، تحقق ظهور امام زمان علیه السلام منوط به احراز شرایطی است که بدون آن شرایط، ظهور امکان‌پذیر نخواهد بود و البته برخی از این شرایط، الهی و بعضی دیگر انسانی هستند. در بخش قبل، به بررسی شرایط الهی ظهور پرداخته و در این بخش به شرایط مردمی ظهور می‌پردازیم. البته باید دانست که شرایط مردمی ظهور، خود به دو بخش تقسیم می‌شود: برخی از این شرایط مربوط به وجود نیروهای تحت فرمان حضرت مهدی علیه السلام و برخی دیگر مربوط به عموم مردم است.

#### فراهم شدن شرایط انسانی ظهور؛ حکمت امتحانات عصر غیبت

با دقت به روایاتی که بیان‌گر امتحانات و ابتلائات عصر غیبت است، به دست می‌آید که یکی از دلایل امتحان‌های سخت عصر غیبت و حتی ظهور، فراهم شدن شرایط انسانی برای تشکیل حکومت مهدوی در هر دو قسمت کارگزاران و عموم مردم است، و از این آزمایش‌ها گریزی نیست. شخصی به نام منصور صیقل می‌گوید: من و حارث بن مغیره با جماعتی از اصحابمان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه السلام نشستیم بودیم (و از ظهور دولت حق سخن می‌گفتیم). آن حضرت سخن ما را می‌شنید. سپس فرمود:

شما در چه موضوعی وارد شده‌اید؟ هیئات، هیئات! نه به خدا قسم، آنچه انتظارش را می‌کشید واقع نشود، تا غربال شوید. به خدا قسم، آنچه چشم به راهش هستید واقع نشود، تا امتحان شوید. به خدا قسم، آنچه به سویش چشم می‌کشید واقع نشود تا جدا شوید.<sup>۱</sup>

البته چراییِ ضرورت این امتحانات در زمانه غیبت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> را می‌توان از اهدافی که قرآن کریم درباره آزمایش‌ها طرح کرده است، بهتر دریافت. این اهداف عبارتند از:

#### الف) شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان

﴿وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لَسِيْمَحْصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾<sup>۲</sup>؛ و (حادثه احد) برای آن است که آنچه را در سینه‌های شماست، خدا بیازماید و آنچه را در دل دارید، پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در سینه‌هاست، داناست.

---

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۴.

### ب) جداسازی افراد نیک از بد

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾<sup>۱</sup>؛ خداوند بر آن نیست که (شما) مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر این‌که (با پیش آوردن آزمایش‌های پی در پی) ناپاک را از پاک جدا کند.

### ج) جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آن‌ها

﴿وَلِتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ ما قطعاً شما را می‌آزماییم تا از میان شما مجاهدان و صابران را نشان دهیم و اخبار (و اعمالتان) را آزمایش خواهیم کرد.

### د) بیداری از غفلت

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾<sup>۳</sup>؛ و همانا به سوی امت‌های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم،

۱. آل عمران، آیه ۱۷۹.

۲. محمد، آیه ۳۱.

۳. انعام، آیه ۴۲.

پس آنان را به تنگ‌دستی و بیماری گرفتار کردیم؛  
باشد که تضرع کنند.

توضیح آن‌که، مسلم است در قیام مهدوی تنها شایستگانند که لایق پارکابی  
قائم آل محمد علیه السلام هستند و حضرت مهدی نیز بر معیار شایسته‌سالاری  
نیروهای زیده خود را برمی‌گزینند، زیرا اولاً، پیروزی بر تمام قدرت‌های  
دنیا و ثانیاً، حکومت عادلانه بر جهان جز از این مسیر امکان ندارد؛ از  
همین رو، امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند، اصحاب موسی را با نهر آبی امتحان کرد،  
چنان‌که خدا فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾؛  
اصحاب قائم هم چنین امتحان خواهند شد.<sup>۱</sup>

این امر بدان جهت است که هر مدیری باید نیروهای کارآمد را از نیروهای  
ناکارآمد جدا کند تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند، زیرا  
حضور آن‌ها باعث سست شدن سایر نیروها می‌شود؛ به همین دلیل، برای  
منصوب کردن افراد به مقام و مرتبه‌ای، گزینش و آزمایش لازم است؛  
چنان‌که خداوند نیز برای انتصاب حضرت ابراهیم علیه السلام به امامت، او را  
آزمود.

---

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۲.

نقل شده است:

مردی از خراسان به امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام داد و گفت: شما صد هزار نیروی مسلح دارید. امام علیه السلام برای آزمایش میزان فداکاری آن مرد به او فرمود: «به آن تنوری که پر از آتش است، وارد شو!» او ترسید و عذرخواهی کرد. در این هنگام، هارون مکی، یکی از یاران امام علیه السلام وارد شد و سلام کرد. امام علیه السلام به او فرمود: «کفش‌هایت را کنار بگذار و به تنور آتش وارد شو!» او بدون هیچ پرسشی وارد تنور شد. امام نیز شروع به گفت‌وگو کرد و از احوال خراسانی‌ها پرسید. پس از مدتی، امام رو به مرد خراسانی کرد و گفت: «برو داخل تنور را نگاه کن!» او نیز چنین کرد و دید هارون مکی صحیح و سالم در تنور نشسته است. امام به او فرمود: «از این شیعیان تنوری که هر چه ما گفتیم تسلیم باشند، چند نفر داریم؟» وی گفت: شیعه تنوری هیچ!

آری، امام زمان علیه السلام کسانی را می‌خواهد که بدون چون و چرا در مقابل دستوره‌ای او مطیع باشند.

از جهت تربیتی و آمادگی عمومی نیز نزول بلا و گرفتاری بسیار مؤثر است، زیرا گرفتاری باعث توجه به خدا و رهایی از غفلت شده و عامل توبه و دعا به درگاه حق و پذیرش اوامر و اراده خداوند که از مهم‌ترین آن‌ها تشکیل حکومت حق به وسیله ولی خداست، می‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا

بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ﴾<sup>۱</sup> و هیچ پیامبری

را در هیچ آبادی نفرستادیم، مگر آن‌که مردم آن‌جا را

گرفتار سختی‌ها و بلاها ساختیم، تا شاید به زاری (و

توبه) درآیند.

از این آیه شریفه معلوم می‌شود که: اولاً، سختی‌ها و مشکلات، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است: ﴿لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ﴾؛ ثانیاً، ناگواری‌ها همیشه قهر الهی نیست؛ گاهی لطفی است که به شکل بلا جلوه می‌کند: ﴿لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ﴾. همان‌گونه که گداختن آهن در کوره آتش، سبب نرم شدن و شکل‌پذیری آن است، حوادث و شداید نیز انسان‌ها را نرم و به حالت تضرع و نیازخواهی وامی‌دارد و باعث می‌شود مردم

صادقانه برای ظهور منجی خود دست به دعا بردارند؛ آن‌گاه مورد رحمت حضرت حق و تجلی آن، که امر ظهور امام رحمت و عدالت است، قرار می‌گیرند، زیرا به فرموده حضرت علی علیه السلام: «اگر مردم هنگام ناگواری‌ها، صادقانه به درگاه خدا ناله کنند، مورد لطف خدا قرار می‌گیرند.»<sup>۱</sup> حاصل آن‌که، شرایط انسانی ظهور را می‌توان از دو جنبه خواص و عوام بررسی کرد:

#### ۱. شرایط مربوط به کارگزاران و کادر امام عصر علیه السلام

قیام حضرت مهدی علیه السلام مانند همه قیام‌های دیگر، نیازمند یاران زبده و کارآمدی است که خواسته‌های حضرت را تا ایجاد حکومت جهانی در ابعاد گوناگون انجام دهند؛ بنابراین، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم، تصور این‌که حضرت فقط با کرامت و امدادهای غیبی و بدون استفاده از شرایط انسانی، جهان را فتح می‌کند و حکومت دین و عدالت را در سراسر عالم می‌گستراند، خلاف عقل و آیات و روایات است. مثال حضرت ولی عصر علیه السلام، مثال پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله و سلم است که برای پیش‌برد اهداف مقدسش از هردو نیروی عادی و غیبی کمک گرفتند؛ چنان‌که خداوند متعال درباره وی فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ اوست که با امدادهای خویش و حمایت مؤمنان، تو را یاری کرده است.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۲. انفال، آیه ۶۲.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۷۱

بر طبق این آیه، نه تنها حمایت مردم، با اراده و خواست الهی کارساز است: «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ... بِالْمُؤْمِنِينَ»، بلکه مردم، بازو و پشتیبان رهبرند؛ به همین جهت، در احادیث مربوط به وقایع ظهور، به حضور مؤمنان کارآمد، در کنار امدادهای الهی تصریح شده و آمده است: «سه لشکر برای یاری حضرت مهدی عج می آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان.»<sup>۱</sup>

گویا این سخن در امتداد این آموزه قرآنی است که امدادهای الهی، همه جانبه، ظاهری و غیبی است:

﴿... فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾<sup>۲</sup> خداوند؛ اوست یاور او و هم‌چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند.

ذکر این نکته نیز لازم است که بدانیم منظور از کادر حضرت عج، فقط تعداد ۳۱۳ نفر نیست، زیرا بر طبق روایات علاوه بر ۳۱۳ نفر، باید یاران دیگری نیز جمع شوند تا حضرت مهدی عج قیام کند.

---

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸.

۲. تحریم، آیه ۴.



ابوبصیر گوید:

شخصی از اهالی کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر به همراه قائم خروج می‌کنند؟ ایشان فرمود: «وَمَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولِي قُوَّةٍ وَ مَا تَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ»؛ او به همراه اصحابی نیرومند خروج می‌کند و آن‌ها کمتر از ده هزار تن نیستند.<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌کنید، همه افرادی که یاران امام به شمار آمده‌اند، باید دارای توانایی و به تعبیر روایت «أُولِي قُوَّةٍ» باشند؛ البته آن‌هایی که توانا ترند، پست‌های مهم‌تری را کسب خواهند کرد؛ ایشان کسانی هستند که به تعبیر قرآن کریم:

﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾<sup>۲</sup>؛ خداوند... آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسخت و قاطعند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند.

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. مائده، آیه ۵۴.

همانا یاران صاحب این امر، برای او نگه‌داری شده‌اند؛ اگر همه مردم نیز از بین بروند، خداوند یارانش را به او می‌رساند؛ آنان همان کسانی هستند که خداوند فرموده: «اگر اینان بدان کافر شوند، پس به تحقیق، ما گروهی را که بدان کافر نیستند بر آن موکل کرده‌ایم.»<sup>۱</sup> آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده است: «خداوند به زودی، گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان، فروتن، و در برابر کافران باعزت، درشت‌خو و سخت‌گیر هستند.»

اصولاً باید دانست که کلید خوش‌بختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه آن‌ها، و منشأ نابسامانی‌ها، ریاست ناهلان است؛ لذا رعایت اصل شایسته‌سالاری حتی در مورد زیردستان لازم بوده و خداوند، کسانی را که شایسته‌اند، سرپرستی می‌کند: ﴿هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾<sup>۲</sup>.  
مهم‌ترین ویژگی‌ها و صفات شایسته‌خواص و یاران امام زمان علیه السلام که موجب می‌شود افتخار سرداری و سربازی حضرت نصیب ایشان شود، عبارت است از:

---

۱. انعام، آیه ۸۹.

۲. اعراف، آیه ۱۹۶.

### ۱-۱. ایمان مستحکم

باور به خدا، آن‌گونه که هیچ تردیدی در آن نباشد، یکی از صفات بارز انصارالمهدی و بلکه از اصلی‌ترین آن‌هاست؛ هم‌چنان‌که امام صادق علیه السلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان علیه السلام فرمود:

آنان مردانی هستند که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است؛ شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان، از سنگ محکم‌ترند.<sup>۱</sup>

گویا ایشان در عمل به آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا﴾؛<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون با گروهی (از سپاه دشمن) روبه‌رو شدید، ثابت‌قدم باشید، نمونه کاملی هستند. البته چنین ایمان ثابتی، قطعاً به دلیل معرفت بالای آن‌ها به حضرت حق و اعمال صالحی است که به تصریح روایات معصومان علیهم السلام، موجب تثبیت ایمان در قلب آن‌ها شده است.

### ۲-۱. عبادت و مناجات

بدون شک، عبودیت خدا یک‌دفعه حاصل نمی‌شود، بلکه این امر نیازمند تمرین و اظهار خضوع در پیشگاه اوست. فلسفه عبادت نیز جز این نیست که انسان با تذکر و تمرین خضوع و خشوع در مقابل پروردگار عالم، یاد

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۲. انفال، آیه ۴۵.

بگیرد تا در همه عرصه‌های زندگی تسلیم خواسته خدا باشد و البته هر قدر که امتحان‌های الهی سخت‌تر باشد، اهمیت عبادت بیشتر است؛ لذا یکی دیگر از خصوصیات یاران امام مهدی عج، عبادت و راز و نیاز آن‌ها با حضرت معبود است؛ چنان‌که در وصفشان آمده است:

مردانی در میان آن‌ها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آن‌ها در حال عبادت، هم‌چون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آن‌ها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.<sup>۱</sup>

### ۳-۱. معرفت به امام

پس از معرفت به خدا، مهم‌ترین سرمایه یاران امام زمان عج، همانا معرفت عمیق به اوست که آن‌چنان، ایشان را مجذوب و مطیع حضرت کرده است. بی‌شک، کسب چنین معرفتی یک‌دفعه نبوده است، بلکه آن‌ها در زمان غیبت امام زمان عج و هم‌گام با انتظار ظهورش، موفق به تحصیل آن شده‌اند. این حقیقت در کلام امام سجاد عج به خوبی روشن است. ایشان فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ  
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنْ

---

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ  
الْمُشَاهَدَةِ؛<sup>۱</sup> مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او و  
منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند، زیرا خداوند  
عقل، فهم و معرفتی به آنها عطا کرده که غیبت نزد آنها  
چون مشاهده است.

از همین روست که بر خواندن دعای معرفت در عصر غیبت تأکید شده  
است:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ  
أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي  
حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛<sup>۲</sup> خدایا! خودت را به من بشناسان.  
به درستی که اگر خودت را به من شناسانی، نمی توانم  
پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان. به  
درستی که اگر پیامبرت را به من شناسانی، نمی توانم امامت  
را بشناسم. خدایا! امامت را به من بشناسان. اگر امام را  
نشناسم، به درستی که گمراه و از ضالین می شوم.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

در روایتی نیز می‌خوانیم:

اگر شخصی شب‌ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و تمام اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج رود، اما ولیّ خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او قرار ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. ولایت‌پذیری و اطاعت از امام

اگر بخواهیم از مهم‌ترین ویژگی‌های عملی که موجب توفیق ما در قرار گرفتن سپاه امام زمان عجله می‌شود نامی ببریم، به جرئت می‌توان از اطاعت بی‌چون و چرا و ولایت‌پذیری از وی نام برد؛ هم‌چنان‌که این نکته در توصیف انصار حضرت مهدی عجله این‌چنین آمده است:

«فرمان‌برداری آن‌ها از امام، بیش از فرمان‌برداری کنیز از آقایش است.»<sup>۲</sup>  
جابر بن یزید جعفی گوید: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می‌گفت: وقتی که خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرستاد که: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۳</sup>، گفتم: یا رسول‌الله! خدا و رسولش را شناخته‌ایم؛ پس اولوالامری که خداوند، طاعت آن‌ها را مقرون به طاعت خود کرده، چه کسانی هستند؟ فرمود:

۱. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۳. نساء، آیه ۵۹.

ای جابر! آن‌ها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند. اول ایشان علی بن ابی طالب است و بعد از او حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی - که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر! او را می بینی و آن‌گاه که او را دیدار کردی، سلام مرا به او برسان! - و پس از او جعفر بن محمد صادق، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از او هم نام و هم کنیه من حجّة الله در زمینش و بقیة الله در بین عبادش، فرزند حسن بن علی، ائمه مسلمین خواهند بود. او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید. او کسی است که از شیعیان و اولیایش غایب شود؛ غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند، مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است.<sup>۱</sup>

هم چنین پیامبر اعظم ﷺ درباره لزوم اطاعت از قائم آل محمد ﷺ فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ  
 شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي وَ  
 يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ  
 مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ  
 مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳.

الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَّاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ  
لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ؛<sup>۱</sup> قائم از فرزندان من است. نامش نام من  
و کنیه اش کنیه من است؛ شمایل او شمایل من و روش او  
روش من است و مردم را بر آیین و دینم بدارد و آنها را به  
کتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا  
اطاعت کرده و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده  
است؛ کسی که او را در دوران غیبتش انکار کند، مرا انکار  
کرده و کسی که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده است و  
کسی که او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است. از کسانی  
که گفتار مرا درباره او انکار و تکذیب می کنند و از کسانی از  
امتم که مردم را از طریقه او گمراه می سازند، به خداوند  
شکایت می برم.

کارگزاران حضرت ﷺ کسانی هستند که این سخنان نورانی را با گوش  
جان شنیده و سخت به آن پای بند هستند.

#### ۵-۱. جان نثاری برای امام و شهادت طلبی

یکی از ویژگی هایی که برای یاران امام عصر ﷺ در احادیث شمرده شده  
آن است که:

---

۱. همان، ج ۲، ص ۴۱۱.



آنها برای تبرک، بدن خود را به زین اسبِ امام می‌سایند.  
آنها در جنگ‌ها، امام را در میان گرفته و با جان خود از  
وی دفاع می‌کنند و هرکاری داشته باشد، برایش انجام  
می‌دهند... آنها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه  
خداوند کشته شوند.<sup>۱</sup>

بدین سان، معلوم می‌شود که ایشان به ترازوی رسیده‌اند که  
از هیچ چیز، حتی بذل و فدا کردن جان برای مولای معصوم  
خویش دریغ نمی‌ورزند و شهادت‌طلبانه در قیام جهانی امام  
موعود شرکت می‌کنند.

### ۶-۱. تقوا و پرهیزگاری

امام صادق علیه السلام به صراحت، تقوا را پیش شرط یاوری امام زمان علیه السلام معرفی  
کرده و می‌فرماید:

مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ  
بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ  
بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا<sup>۲</sup>؛

---

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

هر کس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش می‌سازد، باید در انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلس برسد و امام قائم پس از درگذشت او قیام کند، بهره او هم‌چون بهره کسی است که آن حضرت را دریافته باشد. پس بکوشید و منتظر باشید!

معلوم می‌شود که هیچ‌کسی بدون داشتن این ویژگی ممتازی که قرآن کریم مکرراً بر آن تأکید کرده است، شایستگی قرار گرفتن در زمره اصحاب امام زمان عجل الله فرجه را نخواهد داشت.

#### ۱-۷. اخلاق محوری

زندگی بر محور اخلاق اسلامی، یکی دیگر از صفات و خصوصیات ممتاز یاران امام عصر عجل الله فرجه است؛ چنان‌که به این مقوله در حدیث سابق، امام صادق علیه السلام با عبارت: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ...» بیان گردید.

این نکته در ضمن تفسیری از ایشان، ذیل آیه مهدوی نیز به چشم می‌خورد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ  
فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ أَعَزَّةً عَلَى الْكَافِرِينَ...<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده، قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند... .

ایشان، یاران امام عصر<sup>علیه السلام</sup> را از مصداق‌های کامل این آیه دانسته و فرمودند:

آنان، همان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده: «خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران باعزت، درشت‌خو و سخت‌گیرند.<sup>۲</sup> همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، به فروتنی در برابر مؤمنان و عزت‌طلبی، که دو خصوصیت مهم اخلاقی‌اند، در یاران امام عصر<sup>علیه السلام</sup> تصریح شده است.

#### ۸-۱. نصرت دین خدا و ترویج احکام الهی

سنت‌های الهی فراوانی در هستی جاری است که قرآن کریم به برخی از آنها اشاره کرده است. یکی از آنها، سنت نصرت در مقابل نصرت است.

---

۱. مائده، آیه ۵۴.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۶.

قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۱</sup>؛ اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

یکی از ویژگی‌های انصار حضرت مهدی علیه السلام، دغدغه ترویج دین حق و رساندن آن به مردم است. امام سجاد علیه السلام در شمارش اوصاف کسانی که منتظر آقا امام زمان علیه السلام هستند، فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ  
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ... أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا  
صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا؛<sup>۲</sup> مردم  
زمان غیبت او، که معتقد به امامت او بوده و منتظر ظهورش  
هستند، از مردم هر زمانی برترند... آنان به حق، مخلصان و  
به درستی، شیعیان ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان و  
آشکارند.

### ۹-۱. کارآمدی و تخصص

شاید برخی چنین بپندارند که یاران حضرت مهدی علیه السلام تنها اهل مسجد و عبادتند و بس؛ در حالی که یاران امام زمان علاوه بر تعهد، بر طبق آموزه‌های قرآنی، تخصص هم دارند. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا در هنگام ظهور، مؤمنی غیر از آن ۳۱۳ نفر نیست؟ ایشان فرمودند:

۱. محمد، آیه ۷.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

بَلَىٰ، وَلَٰكِنَّ هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يُخْرِجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ، هُمُ  
النُّجَبَاءُ وَالْقُضَاةُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ؛<sup>۱</sup> بله، ولی این  
عده‌ای که حضرت قائم با آنها قیام می‌کند، از نجیبان،  
قاضیان، حاکمان و فقیهان دین هستند.

از این روایت فهمیده می‌شود که برای قرار گرفتن در کادر حضرت، تنها  
تعهد، ایمان و محبت به امام کافی نیست. امام زمان علیه السلام قرار است تمام دنیا  
را اداره کند و به همین علت، به یاران زبده و دارای تخصص در زمینه‌های  
گوناگون نیاز دارد.

اساساً مدیریت و حکومت، به لیاقت و صلاحیت‌های خاصی نیاز دارد؛ لذا  
قرآن می‌فرماید: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.<sup>۲</sup> طبق این آیه  
شریفه که از جمله آیات مهدوی است، وارثان زمین دو ویژگی دارند:  
یکی، بنده خدا بودن و داشتن تقوای الهی و دیگری برخورداری از  
صلاحیت که همان لیاقت، تخصص و مدیریت لازم است.

---

۱. محمدبن جریر طبری املی، *دلائل الامامه*، ص ۵۶۲.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

### ۱-۱۰. توانایی جسمانی

اگر پیش تر گفتیم که حکومت حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر تأییدات الهی، متکی به مؤمنان صالح و جریان عادی است، بنابراین برای کارآمدی، قدرت جسمانی یکی دیگر از صفات اصحاب امام زمان علیه السلام است. این بدان جهت است که انجام مدیریت امور سنگین با وسعت جهانی، نیازمند توانایی بدنی است؛ هم‌چنان‌که در قرآن نیز درباره شرایط یک مدیر علاوه بر دارا بودن علم و دانش، قدرت جسمانی نیز طرح شده است: ﴿وَزَادَهُ

بَسْطَةَ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾<sup>۱</sup>.

در روایات مهدوی نیز به این ویژگی پرداخته شده است. امام سجاد علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ  
جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ  
أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛<sup>۲</sup> هنگامی که  
قائم ما قیام کند، خداوند از شیعه ما آفت را برطرف سازد و  
دل‌هایشان را همچون پاره‌های آهن کند و نیروی هر یک مرد  
از آنان را به اندازه نیروی چهل مرد قرار دهد و فرمانروایان و  
بزرگان روی زمین خواهند بود.

---

۱. بقره، آیه ۲۴۷.

۲. شیخ صدوق، *النخصال*، ج ۲، ص ۵۴۱.

۸۶ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

هم‌چنین ابوبصیر گوید: شخصی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: به همراه قائم چند نفر خروج می‌کنند که می‌گویند: او به همراه ۳۱۳ تن که شمار اصحاب جنگ بدر است، خروج می‌کند؟ امام فرمود:

قَالَ وَ مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولِي قُوَّةٍ وَ مَا تَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛<sup>۱</sup> او به همراه اصحابی نیرومند خروج می‌کند و آن کمتر از ده هزار تن نیست.

#### ۱۱-۱. صبر و استقامت

در احادیث معصومان علیهم السلام، صبر و پیروزی ملازم با هم هستند. در قرآن نیز بارها بر این اصل تصریح شده است؛ برای نمونه، در جریان نبرد طالوت و جالوت، از زبان یاران طالوت نقل می‌کند که آنها در هنگامه جنگ از خدا مسئلت می‌کردند: ﴿رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا﴾.<sup>۲</sup>

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم نیز استقامت، مقدمه نصرت الهی معرفی شده و آمده است: ﴿... فَصَبِّرُوا عَلِي مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا﴾؛<sup>۳</sup> بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید.

۱. همان، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. بقره، آیه ۲۵۰.

۳. انعام، آیه ۳۴.

بر این پایه، پیروزی امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت عدل جهانی، نیازمند صبر و استواری در امور بوده و عنصر صبر در انجام کارها نیز بی‌تردید، از صفات حتمی کارگزاران حضرت است؛ البته این صبر در باشگاه عصر غیبت کسب شده است؛ هم‌چنان‌که امام حسین علیه السلام فرمودند:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ  
التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ  
مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا  
آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ،  
أَمَا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ  
الْمَجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> از ما (خانواده)

دوازده نفر مهدی هستند، که اولی ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها نهمی از فرزندان من است؛ اوست قیام‌کننده به حق که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده گرداند و دین حق را به دست او بر تمامی ادیان پیروز کند، اگرچه مشرکان نخواهند. برای او غیبتی است که جمعی در آن مرتد شوند و جمعی دیگر، ثابت‌قدم در دین بمانند و آزار شوند و به ایشان گفته شود: کجاست این وعده اگر راست‌گو

---

۱. علی بن محمد خزاز، کفایة‌الاثر، ص ۲۳۲.



هستید؟! هر آینه، بردباران در غیبت او بر آزار و تکذیب (مردم)، همانند جهادکنندگان با شمشیرند در رکاب رسول

خدا ﷺ.

### ۱-۱۲. اخلاص و انگیزه الهی

یارانی که با حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه هستند، برای رسیدن به منافع شخصی خود قدم در راه یاری حضرت نهاده‌اند، بلکه تنها انگیزه ایشان خدا و تقرب به اوست و در این راه، از هیچ گونه حمایتی دریغ نمی‌ورزند. ایشان به گواه امام سجاد علیه السلام در زمانه غیبت، مشق اخلاص را تمرین کرده‌اند:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ  
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ ... أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيَعَتُنَا  
صِدْقًا؛ مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او بوده و  
منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند... آنان  
به حق، مخلصان و به درستی، شیعیان ما می‌باشند.

### ۱-۱۳. دوری از غرور

انصار امام زمان عجل الله فرجه، تربیت یافتگان مکتب قرآن هستند و همواره این سفارش خدای متعال را نصب‌العین خود می‌دانند که: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ﴾<sup>۱</sup>؛ و هنگامی که تو تیر انداختی (و به هدف زدی)، تو نبودی (بلکه

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. انفال، آیه ۱۷.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۸۹

مؤثر اصلی خدا بود؛ بدین جهت، در پیروزی‌های خود هرگز دچار غرور نمی‌شوند، که از آن‌ها جز این نیز توقع نیست.

#### ۱۴-۱. روحیه جهاد و مبارزه

در فرهنگ قرآن، بارها این سنت الهی گوش‌زد شده است که یکی از عوامل نزول نصرت الهی، جهاد و مبارزه با ستمگران است. قرآن می‌فرماید:

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِيهِمْ وَ  
يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۱</sup> با آنان بجنگید، تا خدا آنان را به  
دست شما عذاب و رسوایشان کند و شما را بر ایشان  
پیروزی بخشد!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ  
لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۲</sup> و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به  
یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت،  
خدا با نیکوکاران است.

---

۱. توبه، آیه ۱۴.

۲. عنکبوت، آیه ۶۹.

۹۰ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

به سبب این همه تأکیدات است که در مسئله ظهور امام زمان علیه السلام، روحیه جهادی یکی از صفات انصار حضرت معرفی شده است؛ برای نمونه، یکی از آیات مهدوی که درباره انصارالمهدی است، این آیه شریفه است:

﴿... يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾؛<sup>۱</sup> خداوند... آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسخت و قاطعند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند.

در این آیه، صفاتی برای یاران حضرت شمرده شده که از جمله آنها جهاد و مبارزه است؛ از این رو، همه کسانی که مشتاق حضور در لشکر امام علیه السلام هستند، باید به این صفت مزین شوند.

#### ۱-۱۵. اصلاح‌گری در جامعه

کسانی که آرزوی همراهی با مصلح کل و جهانی دارند، باید خود نیز از روحیه اصلاح‌گری در جامعه برخوردار باشند. تجلی عینی این روحیه در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف، نشانه عشق

---

۱. مائده، آیه ۵۴.

انسان به مردم است؛ نشانه تعهد و سوز و علاقه انسان به سلامتی جامعه است؛ نشانه فطرت بیدار است. امر به معروف و نهی از منکر، نوعی انضباط اجتماعی است؛ یعنی محدود کردن تمایلات اشخاص در برابر مصالح جامعه. در واقع، نوعی کنترل افراد لایبالی است. امر به معروف و نهی از منکر، نشانه رشد است.

حضرت لوط علیه السلام در برابر گروه گناهکار پرسید: «آیا در میان شما یک نفر رشید هست تا مانع این کار شما شود؟»<sup>۱</sup> آری! اگر ما از درون، مراقب خود باشیم و مردم از بیرون، مراقب ما باشند و در رأس، نظامی سیاسی و حکومتی مشوق خوبی‌ها و مانع بدی‌ها باشد، بهترین امت خواهیم بود؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾<sup>۲</sup>.

منتظر حقیقی و مشتاق ظهور که خواستار فراگیری توحید در جهان است، باید بداند که عزت یافتن کلمه توحید، به امر به معروف و نهی از منکر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کلمه «لا اله الا الله» عذاب الهی را از انسان دور می‌کند؛

به شرط آن‌که این کلمه مبارک مورد تحقیر و استخفاف قرار

---

۱. ﴿الَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ﴾؛ هود، آیه ۷۸.

۲. آل عمران، آیه ۱۱۰.

نگیرد. مردی از پیامبر ﷺ پرسید: چگونه ممکن است کلمه توحید مورد استخفاف قرار گیرد؟ فرمود: اگر گناهان علنی انجام گیرد و کسی گناهکار را نهی نکند و او را تغییر ندهد، به توحید اهانت شده است.<sup>۱</sup>

اگر پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «آمران به معروف، خلیفه خدا در زمینند»<sup>۲</sup> و اگر حضرت علی علیه السلام بیان کرد: «امر به معروف و نهی از منکر، دو خلق از اخلاق الهی است که هر کس این دو فریضه را یاری کند، خداوند به او عزت می‌دهد»<sup>۳</sup>، قطعاً آن‌هایی که در سایه ولایت مهدوی، فرمانروایان زمین شده و بدین صورت عزت می‌یابند، باید با امر و نهی، چه در عصر ظهور و چه در زمانه غیبت نیز با بهره‌گیری از این دو ابزار، به اصلاح جامعه پردازند.

از همین روست که امام زمان در آغاز قیام جهانی خویش و در عهدنامه‌ای که با کارگزاران خویش می‌بندد، یکی از مفاد عهدنامه را التزام به امر به معروف و نهی از منکر قرار داده و می‌فرماید: «أبایعکم علی أن... تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»<sup>۴</sup>.

۱. محمد محمدی‌ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۶۶.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹.

۳. شیخ صدوق، النخصال، ج ۱، ص ۴۲.

۴. علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۸.

## ۲. شرایط مربوط به عموم مردم

غیر از شرایط انسانی مربوط به یاران و کارگزاران امام زمان علیه السلام، شرایط دیگری باید باشد که آن شرایط مربوط به عموم مردم است. البته وجه مشترک همه این شرایط، به تحقق آمادگی جهانی برای پذیرش حکومت امام زمان علیه السلام و عدالت او برمی گردد، به گونه ای که همه یک صدا از خدا درخواست کنند و بگویند: «انا نرغب اليك في دولة كريمه»<sup>۱</sup>.

آری! هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را بپذیرند، آن وقت امام زمان علیه السلام ظهور خواهند کرد.

برخی از این آمادگی ها که البته در سطح پایین تری از یاوران حضرت مهدی علیه السلام است، عبارتند از:

### ۲-۱. پذیرش روحی

همان گونه که در ابتدای این بخش، یکی از حکمت های آزمایش ها و بلاها در عصر غیبت را فراهم شدن شرایط انسانی ظهور دانستیم، بیان کردیم که گرفتاری ها، عامل بیداری فطرت انسان ها و توجه آنها به پروردگار جهان و بازگشت به سوی اوست و این امر اجتناب ناپذیر است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

---

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

پیش از ظهور قائم، نشانه‌هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان خواهد بود. گفتیم: فدای شما شوم! آن‌ها کدام است؟ فرمود: قول خدای تعالی که: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ می‌آزماییم مؤمنان را پیش از خروج قائم، به چیزی از خوف (از پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت آن‌ها)، گرسنگی (به واسطه گرانی قیمت‌ها)، کاستی در اموال (کسادی داد و ستد و کمی سود)، کاستی در نفوس (به واسطه مرگ و میر فراوان) و کاستی در ثمرات به واسطه کمی برداشت محصولات زراعتی، و صابران را مژده بده در آن هنگام به تعجیل خروج قائم.<sup>۲</sup>

خداوند، مصیبت‌ها را برای این جهت استخدام کرده است که با آن، انسان را از دنیا قطع و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا درآورد تا بتواند در دست خود قرار بدهد. تا دست شما در دست دوستان قرار دارد، آیا می‌توانید با دوست دیگران دست بدهید؟ هرگز! شما مگر نمی‌گویید با

۱. بقره، آیه ۱۵۵.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹.

یک دست نمی‌شود دو هندوانه برداشت؛ پس با یک دست هم نمی‌شود با دو نفر دست داد. پس انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی‌تواند با آخرت دست بدهد. باید از بیعت ظالم خارج شود تا بتواند با امام بیعت کند؛ از وادی کفر باید خارج شود تا بتواند به وادی ایمان وارد شود؛ همان‌گونه که تا آخرین ثانیه‌های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه‌های روز نخواهد شد. پس مصیبت‌ها این هنر را به همراه دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند. خدا برای این‌که بخواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی‌ها بی‌میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می‌دهد و انواع مصیبت‌ها را بر او فرود می‌آورد. آری! انسانی که بی‌هوش شده است، به جهت به هوش آمدن گاه او را سیلی می‌زنند تا به هوش بیاید. مصیبت‌ها، سیلی خداوندند که بر صورت بی‌هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می‌شود.

## ۲-۲. آمادگی معرفتی

طبق وعده‌های مکرر قرآن، پیروزی نهایی با اسلام است و مردم سراسر جهان در آینده به سراغ اسلام می‌آیند و حکومت حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می‌شود؛ اما این وعده‌ها شرایطی دارد و آن عبارت است از: توجه دنیا به اسلام و شناخت آن؛ علاوه بر آن، شناخت اجراکننده قوانین اسلامی، یعنی حضرت مهدی علیه السلام از جمله آمادگی‌های فکری و معرفتی است که مردم باید به آن دست پیدا کنند. کسانی که امام زمان علیه السلام و عدالت



و رحمت او را نمی‌شناسند، چگونه تن به حکومت او خواهند داد و به او اعتماد خواهند کرد؟! امام زمان علیه السلام وقتی ظهور می‌کند که آمادگی از هر جهت در میان مردم وجود داشته و مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و اسلام آگاه و آمادگی حکومت امام زمان علیه السلام را داشته باشند.

### ۲-۳. تبعیت عملی

بزرگ‌ترین مشکلی که در طول تاریخ زندگانی امامان معصوم علیهم السلام دیده می‌شود آن است که با وجود محبت مردم، آن‌ها عملاً از اهل بیت علیهم السلام حرف‌شنوی نداشتند؛ این در حالی است که اگر انسان‌ها خواستار ظهور امام علیهم السلام هستند، باید آمادگی عملی و اطاعت‌پذیری از ایشان را داشته باشند تا رضایت خدای متعال جلب شده و اذن ظهور فرماید. در سخنی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

ذِرْوَةٌ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا  
الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ اساس  
دین اسلام و کلید همه خزائن رحمت و فضل کبریایی و نیز  
وسیله معرفت اشیا و فلاح و رستگاری و ایمن بودن از سخط  
و غضب ساحت کبریایی، بر اطاعت امام مفترض الطاعه  
استوار خواهد بود، پس از این‌که او را شناخته و به ولایت  
عامه او معتقد باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

خداوند نیز حتماً اگر این آمادگی را - که نشانه صداقت در درخواست فرج است - مشاهده کند، امر ظهور را نزدیک می‌فرماید.

#### ۲-۴. تقوا و ترک گناه

باید بدانیم که ما وظیفه نداریم کارهایمان را تعطیل کرده و به دنبال دیدن امام زمان عجله الله تعالی فرجه برویم؛ کما این که یاران امام صادق علیه السلام وظیفه نداشتند به دنبال دیدن امام صادق علیه السلام بروند. آنچه مهم است، شناخت و اطاعت است؛ البته زیارت و ملاقات یک ارزش است، اما این که کارمان را رها کنیم و دنبال امام زمان عجله الله تعالی فرجه بگردیم، چنین تکلیفی نداریم. آری، زیارت امام ارزش است، اما حدیث و آیه‌ای نگفته کارت را تعطیل کن و به دنبال آقا بگرد! حدیث می‌گوید: «اتَّقُوا اللَّهَ»؛ تقوا داشته باش! آن‌گاه خود امام به شما توجه می‌کند.

شخصی خودش را به آب و آتش زد که امام زمان عجله الله تعالی فرجه را ببیند تا بالأخره از طریقی فهمید که امام زمان عجله الله تعالی فرجه فلان روز، فلان شهر و فلان خانه تشریف دارند. به همان محل رفت و دید آن‌جا پیرمردی مشغول کار است و سید بزرگواری هم آن‌جا نشسته است - که بعد معلوم شد امام زمان عجله الله تعالی فرجه است. به او گفت: «چقدر خودت را به این طرف و آن طرف می‌زنی؟!» گفت: آقا! می‌خواهم امام زمان عجله الله تعالی فرجه را ببینم. او گفت: «مثل این پیرمرد، باتقوا و اهل انصاف باش؛ آن‌گاه خود امام زمان عجله الله تعالی فرجه نزد شما می‌آید.»

در داستان دیگری آمده: یک از علما متوجه شد که امام زمان عجله الله تعالی فرجه در خانه‌ای وارد شده است. خود را به آن خانه رساند و دید زنی از دنیا رفته

و حضرت در کنارش نشسته است. پرسید: این زن چه کسی است که شما در هنگام مرگ به نزدش آمدید؟ حضرت فرمود: زمانی که رضاشاه حجاب را برداشت، این زن به خاطر تقوا هفت سال از خانه بیرون نیامد که پاسبان‌های زمان رضاشاه چادر از سرش نکشند. این طور تقوا داشته باشید تا امام زمان عجل الله فرجه به شما توجه کند!

لازم نیست ما برویم جمکران؛ البته جمکران رفتن یک ارزش است، اما خیلی‌ها می‌پرسند: چه کنیم تا امام زمان عجل الله فرجه را ببینیم؟ پاسخ آن است که اگر گناه نکنی، لیاقت ملاقات پیدا می‌کنی.

## ۲-۵. هم‌دلی در طلب ظهور

از جمله شرایط جامعه منتظر امام عصر عجل الله فرجه وحدت در خواسته و هم‌دلی در امر ظهور است. این که یک یا چند نفر و یا گروه اندکی بخواهد امام زمان عجل الله فرجه بیاید و حکومت جهانی را برپا کند، کافی نیست، بلکه باید اکثریت و عموم مردم در دل خود چنین خواسته‌ای را صادقانه داشته باشند. حداقل آن است که همه کسانی که به حضرت مهدی عجل الله فرجه معتقدند، بر محور ولایت مهدوی هم‌سخن و هم‌دل شوند، زیرا خود امام زمان عجل الله فرجه فرمود:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ  
الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ  
لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا

مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتش را نصیبشان فرماید! - وفای به عهد (ولایت ما که جانب خداوند بر آنها قرار داده شده است) می‌کردند، از لقای مسرت‌افزای ما مأیوس و محروم نمی‌شدند و هر آینه به سرعت، ظهور و مشاهده ما را به خاطر معرفت و صداقتشان درک می‌کردند.

## ۲-۶. یأس از حکومت‌ها و خستگی از مکتب‌های بشری

از جمله عواملی که زمینه‌های عمومی ظهور مهدی موعود را فراهم می‌کند، آگاهی از ناکارآمدی مکاتب مختلف بشری و شیوه‌های گوناگون حکومت‌داری است، زیرا در این صورت است که به دنبال مکتب و حکومتی می‌گردند که آنها را حقیقتاً به سعادت دنیوی و اخروی برساند و به صورت همه‌جانبه، خوش‌بختی ایشان را تضمین کند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لَهْمُ دَوْلَةٌ إِلَّا مُلْكُوا  
پیشیناً لئلاً يقولوا إذا رأوا سيرتنا إذا ملكتنا سیرنا مثل سیرة  
هؤلاء و هو قول الله عز وجل والعاقبة للمتقين؛<sup>۲</sup> دولت ما  
پایان دولت‌هاست، و هیچ قوم و خاندانی که بخواهند به  
دولت و حکومت رسند به جای نمانند، جز این‌که پیش از ما  
به حکومت رسند، تا این‌که چون راه و روش ما را ببینند،

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۷۳.

نگویند: چون ما به حکومت رسیم، مانند اینان رفتار کنیم، و همین است (معنای) گفتار خداوند: «و پایان کارها از آن پرهیزکاران است».

البته همین الآن هم نشانه‌های این بیداری ملت‌ها و خستگی آن‌ها از مکاتب و حکومت‌ها هویدا شده است. به راستی، این چه قانون ظالمانه‌ای است که چند کشور در سازمان ملل حقّ و تو داشته باشند و اگر همه کشورها حرف حقی بگویند که با منافع آن‌ها در تعارض باشد، با این حق، آن را باطل کنند؟! داشتن این حق برای پنج کشور، توهین و تحقیر سایر کشورها و ملت‌هاست که متأسفانه بارها دیده‌ایم که با همین حق نامشروع، حقوق ملت‌ها پایمان شده است.

## ۲-۷. اطاعت از نایب امام و ولیّ فقیه

یکی دیگر از شرایط مردمی ظهور آن است که مردم با اطاعت از جانشینان و نایبان امام زمان علیه السلام صداقت خود را نشان دهند.

علت غیبت امام دوازدهم علیه السلام، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام است. خداوند آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره فرموده است، تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره‌گیری کنند؛ از سوی دیگر، در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام ما را به حال خود رها نکرده‌اند، بلکه ما را به پیروی از فقها و اسلام‌شناسان عادل و باتقوا که نوّاب عام آن حضرت هستند، سفارش

کرده‌اند؛ بنابراین، بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع‌الشرایط عادل به ما ابلاغ می‌شود، باشیم.

نقش ولایت فقیه، همان نقش امامت و تدوام خط انبیاست. اسلام، قوانینی درباره مسائل اقتصادی، جزائی، نظامی و قضایی دارد که نه اجازه می‌دهد آن احکام تعطیل شود و نه اختیار اجرای آن را به دست افراد جاهل به احکام می‌سپارد، بلکه اجرای آن را تنها به دست فقهای عادل و اسلام‌شناسان باتقوا سپرده تا در تمام حوادث، طبق قانون خدا حکم کنند و اطاعت از آن فقها را همچون اطاعت از رسول گرامی ﷺ و امام معصوم علیه السلام واجب دانسته است.

آیا مسلمانان نیاز به حکومت و نظام ندارند؟ آیا جامعه و کشور اسلامی نباید حفظ شود؟ آیا حفظ مرزها لازم نیست؟ آیا قوانین در کشور اسلامی نباید اجرا شود؟ آیا حقّ مظلوم نباید از ظالم گرفته شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا صدای اسلام نباید به همه دنیا برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان علیهم السلام تنها برای زمان خود آنان بود یا برای همه زمان‌ها و مکان‌ها؟

اگر پاسخ این پرسش‌ها، مثبت است و اسلام به نظام، حکومت، جامعه و قانون نیاز دارد و حفظ حقوق و مرزها مطرح است، باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی باشد، زیرا بدون تشکیلات حساب‌شده و دقیق، به‌خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ

۱۰۲ ————— شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

و دقیق هستند، هرگز نمی‌توانیم از قانون، مکتب، مرز، جان، مال و آبروی خود دفاع کنیم و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است، زیرا حکومت بدون حاکم محال است. اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود هم نیاز به حکومت دارد و هم حاکم، باید ببینیم حاکم باید چه شرایطی داشته باشد. آیا لازم است حکم خدا را عمیقاً بداند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا آشنا و آگاه به مسائل و حوادث باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکم اسلام‌شناس با تقوا و سیاست‌مدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می‌نامیم.

## ۸-۲. دعای همگانی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه و وظیفه‌ای همگانی

در بسیاری از احادیث مهدوی، بر ضرورت دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه تأکید شده است و از مردم خواسته‌اند که برای حفظ دین و نیز تسریع در امر فرج، به درگاه الهی دعا کنند؛ حتی خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه نیز فرمودند:

اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فأن في ذلك فرجكم؛<sup>۱</sup> برای  
تعجيل در فرج من زیاد دعا کنید، زیرا فرج شما در آن  
است.

اما شاید این سؤال به ذهن خطور کند که: چرا باید برای حضرت دعا کرد؟ پاسخ آن به دلایل زیر است:

---

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۱. امام زمان علیه السلام، یکی از مؤمنان است و پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته است تا برای مؤمنان دعا کنیم.
۲. او فریادرس بیچارگان است. خود امام زمان علیه السلام فرمود: «أنا غیرمهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم»<sup>۱</sup>.
۳. او احیاگر دین خداست: «أین محیی معالم الدین»<sup>۲</sup>، و نیز: «لِيُظْهِرَهُ عَلَي الدِّينِ كُلِّهِ»<sup>۳</sup>.
۴. امام زمان علیه السلام مضطر است. از امام باقر علیه السلام در تفسیر «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ»<sup>۴</sup> سؤال شد؛ فرمود: «نزلت في القائم»؛ درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شده است.
۵. او عامل تألیف دلهاست: «أین مؤلف شمل الصلاح و الرضا»<sup>۵</sup>.
۶. او مهربان است. امام صادق علیه السلام در وصف ائمه علیهم السلام، که امام زمان علیه السلام نیز یکی از آنهاست، فرمود: «و الله لانا أرحم بکم منکم بأنفسکم»<sup>۶</sup>؛ به خدا قسم، من از شما نسبت به خودتان مهربانترم.

---

۱. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. علی بن موسی بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۳. توبه، آیه ۳۳.

۴. نمل، آیه ۶۲.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱.

۶. علی بن موسی بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۷. محمدبن جریر بن طبری، دلائل الامامه، ص ۱۳۴.



۷. قبولی اعمال ما بر طبق روایات، وابسته به حضرت مهدی علیه السلام است.

۸. به وسیله حضرت ولی عصر علیه السلام از ما دفع بلا می شود. ایشان فرمود: «بی يدفع الله عز و جل البلاء عن أهلي و شيعتي»<sup>۱</sup>؛ به وسیله من است که بلا از اهل و شیعیانم دفع می شود.

۹. عدالت گستر است، هم چنان که انبوهی از روایات بر این مطلب گواهی می دهند.

۱۰. امام زمان علیه السلام از ما شفاعت می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف امام عصر علیه السلام فرمودند: «المهدي شفيعهم يوم القيامة»<sup>۲</sup>.

---

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲. علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۷۴.

## فاتمه: پاسخ به چند پرسش

### مقدمه

در این نوشتار سعی کردیم تا ضمن توضیحاتی درباره ظهور، لزوم آماده کردن شرایط ظهور و نیز موارد آن را گوش زد کنیم؛ اما ممکن است پس از خواندن این مطالب در زمینه شرایط ظهور امام زمان علیه السلام و یا احیاناً شبهاتی که دشمنان مهدویت در رسانه‌های خود القا می‌کنند، سؤال‌هایی در این زمینه طرح شود؛ به همین جهت، در خاتمه این کتاب سعی شده است به چند پرسش متداولی که در این زمینه وجود دارد، به اختصار پاسخ داده شود.

۱. پرسش: در برخی احادیث آمده: اگر کسی پیش از قیام امام زمان علیه السلام قیام کند، قیامش باطل است. منظور از این روایت چیست؟

پاسخ: احادیثی که می‌گویند: پیش از قیام امام زمان علیه السلام کسی قیام نکند، یا جعلی و دورغین هستند و یا مقصود آن فهمیده نشده است. مورد این روایت در جایی است که کسی پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام قیام و مردم را به سوی خودش دعوت کند و اساساً خودش طاغوت باشد؛ هم‌چنان‌که در همین حدیث به آن تصریح شده است:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛<sup>۱</sup> هر پرچمی که پیش از قیام حضرت  
قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت و سرکشی است  
که در برابر خداوند پرستیده شود.

اما اگر کسی قیام کند تا زمینه را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم کند، به هیچ وجه این قیام باطل نیست، زیرا اگر همه چیز را قرار است خود امام زمان علیه السلام درست کند، پس این همه آیات دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر و اجرای حدود اسلامی، برای چیست؟ مگر می‌شود دستورات قرآن بیش از هزار سال و تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام تعطیل شود؟

---

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

خاتمه: پاسخ دادن به چند پرسش ۱۰۷

درباره فهم این گونه احادیث باید بدانیم که معصومان علیهم السلام در روایات دیگری فرموده‌اند که هر حدیثی از طرف ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالفت با قرآن، آن را کنار بگذارید.

امام صادق علیه السلام در ضمن سخنی فرمود:

مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ<sup>۱</sup>  
آنچه موافق قرآن است، بگیرید و آنچه مخالف قرآن است،  
رها کنید.

در برخی منابع اهل سنت آمده است که از حاکم جامعه، هر چند ظالم باشد، اطاعت کنید؛ این در حالی است که قرآن می‌گوید: ﴿لَا تُطِيعُوا أَهْلَ الْأَرْسَالِ إِلَّا بِمَا يَأْمُرُكُمْ بِالطَّوْقَاتِ﴾<sup>۲</sup> این آیه دستور می‌دهد که اگر کسی گناه می‌کند، نباید از او اطاعت کنیم و از همین جا ساختگی و جعلی بودن این حدیث معلوم می‌شود.

مؤید این امر، قیام جناب زید، پسر امام سجاد علیه السلام است که مورد تأیید ائمه علیهم السلام واقع شده است و ایشان از او حمایت کردند. هم‌چنین در نمونه‌ای دیگر، امام صادق علیه السلام با آن‌که طبق حدیثی که سؤال درباره مفاد

---

۱. همان، ج ۱، ص ۶۹

۲. انسان، آیه ۲۴.

آن بود خود قیام را جایز نمی‌دانند، لکن برای خروج، چه در زمان هشام و چه در زمان‌های بعد، تشویق و به امر معروف و تزلزل سلطان مجتمع اشاره کرده و فرمودند:

لَأَزَالُ أَنَا وَشِيعَتِي بِخَيْرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ  
وَلَوَدِدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَعَلِيٌّ نَفَقَهُ  
عِيَالَهُ؛ دوست داشتم تا کسانی که از آل محمد خروج کنند و  
من عهده‌دار مخارج آن‌ها باشم، چون مادامی که کسانی  
خروج و قیام کنند، من و شیعیانم در راحتی هستیم.

۲. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام عصر، حال که امام زمان علیه السلام غایب است، چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که بر طبق خواسته ایشان رفتار کرده‌ایم؟

پاسخ: در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام ما را به حال خود رها نکرده‌اند، بلکه ما را به پیروی از فقها و اسلام‌شناسان عادل و باتقوا که نوّاب عام آن حضرت هستند، سفارش کرده و فرموده‌اند:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ  
حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛<sup>۲</sup> در حوادث جامعه و

---

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۴.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

خاتمه: پاسخ دادن به چند پرسش ..... ۱۰۹

پیش آمدها، به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می‌کنند  
(یعنی فقیهان) مراجعه کنید که من آن‌ها را حجّت در میان  
شما قرار دادم و خودم حجّت خدا بر ایشان هستم.

بنابراین، بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم  
خدا که از طریق فقیه جامع‌الشرایط عادل به ما ابلاغ می‌شود، باشیم؛ البته  
این مجتهد خصوصیتی دارد که امام حسن عسکری علیه السلام درباره آن فرمود:

هر فقیهی که مراقب نفسش بوده و حافظ دین خود است  
و با نفس خود مخالف است و مطیع امر مولی می‌باشد، بر  
عوام است که از چنین فقیهی تقلید کنند، و این شرایط تنها  
مشمول برخی از فقهای شیعی می‌گردد، نه تمامشان.<sup>۱</sup>

بنابراین، وظیفه ما اطاعت از مجتهد عادل است. اگر چه مجتهد امام معصوم  
نیست، ولی از نظر عقل و از نظر اسلام، هر مسلمانی یا باید خودش فقیه  
باشد و یا در گرفتن برنامه از فقیه کمک بگیرد. اگر فقیه راه را درست  
رفت و اشتباهی نکرده بود، دو اجر دارد و اگر هم اشتباهی رفت، چون  
عادل بوده است و خطای عمومی انجام نداده است، باز هم به خاطر  
زحماتش اجر دارد. اگر هم کسی پیدا شد و گفت: فلان فقیه، فلان خطا را  
کرده است، باز هم مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ مثل این که انسان گاهی متوجه

---

۱. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۹۹.

می‌شود که فلان دوی فلان پزشک مؤثر نبوده است، اما کسی نمی‌تواند نسخه را بگیرد و پاره کند.

**۳. پرسش: در احادیث فراوانی آمده است: امام زمان علیه السلام زمانی ظهور می‌کند که دنیا پر از ظلم و ستم شود. اگر این گونه است چه نیازی به آماده کردن شرایط ظهور است؟**

پاسخ: باید دقت کرد که در روایات مهدوی، عبارت «ظُلماً» آمده است و بین ظلم و ظالم فرق است. این احادیث می‌گویند: دنیا پر از ظلم می‌شود، نه پر از ظالم! توجه کنید که بین این دو فرق است، زیرا مثلاً شما یک وقت می‌گویید: وقتی دیوار این‌جا را سفید می‌کنم که همه سیگاری شوید؛ اما گاهی می‌گویید: وقتی این‌جا را سفید می‌کنم که این‌جا پر از دود شود. ممکن است یک نفر، یک تنه درخت را این‌جا بیاورد و آن را آتش زده و در نتیجه آن اتاق پر از دود شود؛ کافی است یک دولت مانند آمریکا دنیا را به لجن بکشد و ممکن است کشوری مثل اسرائیل، یک منطقه را پر از فساد کند. بنابراین، این احادیث می‌گویند که زمانی حضرت می‌آید که دنیا پر از ظلم شود و این پر شدن، لزوماً به این معنا نیست که باید دنیا پر از ظالم شود؛ علاوه بر آن، دنیا همین الآن پر از ظلم شده است، اما امام زمان علیه السلام هنوز ظهور نکرده‌اند. معلوم می‌شود که علت ظهور امام عصر علیه السلام این مطلب نیست، بلکه نبود شرایط ظهور است.

خاتمه: پاسخ دادن به چند پرسش \_\_\_\_\_ ۱۱۱

نکته آخر این که، فلسفه قیام امام زمان علیه السلام از بین بردن ظلم و فساد است؛ حال چگونه می توان ظلم و فسادگری را شرط ظهور ایشان دانست؟!

**۴. پرسش: آیا انتظار امام زمان علیه السلام به معنای سکوت و بی تفاوتی در برابر ظلم است؟**

پاسخ: ما هر شب منتظر طلوع خورشید فردا هستیم، اما معنای انتظار خورشید آن نیست که دست روی دست بگذاریم و تا صبح در تاریکی به سر بریم، بلکه هر کس اتاق خود را روشن می کند. ما در زمستان منتظر فرارسیدن تابستان هستیم، ولی انتظار تابستان به آن معنا نیست که در زمستان بلرзим و اتاق خود را گرم نکنیم. در زمان غیبت امام زمان علیه السلام نیز باید به مقدار توان خود با ظلم مبارزه کنیم و در صدد اصلاح خود و جامعه برآییم.

اگر در روایات می خوانیم: «أفضل الاعمال انتظارُ الفرج»<sup>۱</sup> و بهترین عمل را انتظار آمدن حضرت مهدی علیه السلام دانسته اند، بر اساس این احادیث، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است: «افضل الاعمال»؛ بنابراین، منتظران واقعی باید اهل عمل باشند. منتظران مصلح باید خود صالح باشند. کسی که منتظر مهمان است، در خانه آرام نمی نشیند. آری، وظیفه مردم در زمان غیبت، خودسازی، امر به معروف، دعوت به حق و آگاه سازی دیگران است.

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.



۵. پرسش: یکی از شرایط انسانی ظهور و نیز از جمله عوامل اصلی موفقیت در بلاها و امتحان‌های عصر غیبت، صبر و استقامت است. قرآن کریم، راه صبر بر مشکلات را چه می‌داند؟

پاسخ: راه‌هایی که قرآن به ما ارائه می‌دهد، از این قرار است:

#### ۱. داشتن جهان‌بینی الهی

قرآن در مدح افراد باایمانی که در برابر سختی‌ها صبور هستند، می‌فرماید: این‌ها به خاطر داشتن جهان‌بینی الهی، در مواجهه با حوادث می‌گویند: ما برای خدا هستیم، استقلالی از خود نداریم، طلبی هم از او نداشته‌ایم، وجود ما و نعمت‌های ما همه و همه از اوست و ما امانت‌داری بیش نیستیم؛ ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾<sup>۱</sup>.

صابران، به جای خودباختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می‌برند، زیرا از دید آن‌ها، تمام جهان، کلاس درس و میدان آزمایش است که باید در آن رشد کنیم. دنیا، جای ماندن، خوابگاه و عشرتکده نیست و شداید و سختی‌های آن نیز نشانه بی‌مهری خداوند نیست. ناگواری‌ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود تا تندتر و سریع‌تر حرکت کنیم؛ بنابراین، در تلخی‌ها نیز شیرینی است، زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از

پادشاه‌های الهی را به دنبال دارد. این دید و جهان‌بینی، انسان را برای برخورد صحیح با حوادث آماده می‌کند.

## ۲. آگاهی از سنت‌های الهی

قرآن می‌فرماید: شما انسان‌های امروز متفاوت از انسان‌های پیشین نیستید که بدون هیچ آزمایش و رنج و زحمتی به بهشت برسید، بلکه باید همچون امت‌ها و شخصیت‌های دیگر در جریان سخت‌ترین حوادث قرار گیرید و آزموده شوید:

﴿إِمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ إِنْ نَصَرَ اللَّهُ قَرِيبٌ﴾؛ آیا گمان می‌کنید که وارد بهشت می‌شوید، بدون این‌که با حوادث امت‌های پیشین برخورد کنید؟! مؤمنان پیش از شما مردمی بودند که انواع سختی‌ها به آن‌ها رسید تا جایی که اضطراب همه آنان را فراگرفت و پیامبر و مؤمنان گفتند: کجاست یاری خدا؟ آگاه باشید! یاری خدا نزدیک است.

این آیه می‌گوید: در طول تاریخ، افراد باایمان و حق طلب دچار سخت‌ترین ناملایمات شده‌اند، و اکنون نوبت شماست؛ بنابراین، نه ناگواری‌ها تازگی دارد و نه تنها شما هستید که گرفتار این سختی‌ها و مشکلات شده‌اید؛ این یک سنت الهی است که باید طی شود. قرآن مکرر می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ...﴾<sup>۱</sup>؛ تاریخ پیامبران و امت‌های پیشین را یاد کنید تا فکر نکنید ناگواری‌ها برای شما بوده است؛ آن‌گاه به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُو الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ﴾<sup>۲</sup>؛ تو نیز مانند سایر انبیا صبور باش!

آری، انسان اگر بداند که ناگواری‌ها، هم یک قانون و سنت است و هم عمومی و همگانی، آمادگی بیشتری پیدا می‌کند. ما در ماه رمضان، خیلی راحت روزه می‌گیریم، چون عموم مردم در آن ماه روزه هستند، اما در غیر ماه رمضان، روزه گرفتن سخت و دشوار است.

### ۳. آشنایی با صابران و چگونگی صبرشان

اطلاع از استقامت پیشینیان، یکی از رمزهای موفقیت در برخورد با حوادث است. قرآن در این زمینه بسیار سخن گفته و الگوها و مدل‌های صبر و استقامت را از افراد و امت‌های پیشین بیان کرده است. قرآن می‌فرماید: پیامبران الهی در برابر سرسخت‌ترین مخالفان خود

۱. مریم، آیات ۴۱ و ۵۱.

۲. احقاف، آیه ۳۵.

می گفتند: ﴿وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا أَدَيْتُمُونَا﴾؛<sup>۱</sup> ما در برابر آزار شما استقامت خواهیم کرد؛ چنان که ساحرانی که به دعوت فرعون برای مقابله و محکوم کردن حضرت موسی علیه السلام آمده بودند، همین که به حقانیت موسی پی بردند، ایمان آوردند و در برابر تهدیدات فرعون گفتند: ﴿فَأَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ أِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾؛<sup>۲</sup> هر کاری می توانی و هر حکمی می خواهی در باره ما اجرا کن! ما راه خود را پیدا کرده ایم و از مسیر حق دست بر نمی داریم.

آری، علم به تاریخ گذشته، در صبر و بردباری انسان بسیار مؤثر است، همان گونه که علم به اسرار آینده در صبر و تحمل انسان اثر می گذارد. حضرت خضر علیه السلام به موسی گفت: چون تو از اسرار حوادث و کار من خبر نداری، صبر و تحمل نخواهی کرد: ﴿وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا﴾.<sup>۳</sup>

#### ۴. توجه به حضور خدا

اگر انسان بداند و باور داشته باشد که خداوند بر تمام اعمال و رفتار و حتی افکار او آگاه است و در همه حال، حاضر و ناظر بر اوست، در برابر

---

۱. ابراهیم، آیه ۱۲.

۲. طه، آیه ۷۲.

۳. کهف، آیه ۶۸.

مشکلات صبر کرده و سختی‌ها بر او آسان و گاهی شیرین شده و خود به استقبال آن خواهد رفت. خداوند به موسی و هارون علیهم‌السلام می‌گوید: شما نزد فرعون بروید و سخن حق خود را به گوش او برسانید و او را به یکتاپرستی دعوت کنید! بدانید من با شما هستم؛ کارتان را می‌بینم و گفت‌وگوهایتان را می‌شنوم: ﴿أَنْتَى مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى﴾<sup>۱</sup>

هم‌چنین خداوند برای عذاب قوم نوح و نجات افراد باایمان، به حضرت نوح علیه‌السلام دستور داد که زیر نظر ما کشتی بساز: ﴿وَ اصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا﴾<sup>۲</sup>. حضرت نوح علیه‌السلام همین که ساختن کشتی را شروع کرد، کفار او را مسخره کرده و گفتند: گویا پیامبری شما نگرفت و اکنون دست به نجاری زده‌ای! ولی چیزی که موجب مقاومت حضرت نوح علیه‌السلام در برابر این طعنه‌ها می‌شد، همان جمله خدای متعال بود که: تو پیش چشم ما هستی و کار تو زیر نظر ماست. چنین ایمان و بینشی، روح استقامت را در انسان زنده می‌کند.

#### ۵. توجه به پاداش الهی

از جمله مواردی که روح استقامت را در انسان زنده می‌کند، توجه به آثار مثبت و اجر و پاداش الهی است، زیرا تحمل سختی‌ها، بزرگ‌ترین پاداش دنیوی و اخروی را برای انسان در بردارد. در قرآن نمونه‌های فراوانی از این امتیازها به چشم می‌خورد.

۱. طه، آیه ۴۶.

۲. هود، آیه ۳۷.

## کتابنامه:

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، النخصال، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۳ق.
۳. ابن بابویه، \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا، جهان، بی جا، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن بابویه، \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، قم ۱۳۹۷ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۷.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، مکتبه بنی هاشمی، تبریز ۱۳۸۱ق.

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۱۱۸

۷. امام عسکری، ابو محمد حسن بن علی، تفسیر الامام العسکری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم ۱۴۰۹ق.

۸. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴ق.

۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران ۱۴۱۶ق.

۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران ۱۳۸۲.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم ۱۴۰۹ق.

۱۲. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الأثر، بیدار، قم ۱۴۰۱ق.

۱۳. رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، دارالهجرة، قم، بی تا.

۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ق.

۱۵. طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، مؤسسه البعثه، قم ۱۴۱۳ق.

۱۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم ۱۴۱۵ق.

۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، چاپخانه علمیه، تهران ۱۳۸۰ق.

۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، الصدر، تهران ۱۴۱۵ق.
۱۹. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، فاطمة الزهراء، قم ۱۳۸۹.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم ۱۳۶۷.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران ۱۳۶۵.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ق.
۲۳. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، قم ۱۴۱۱ق.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش.
۲۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، کنگره شیخ مفید، قم ۱۴۱۳ق.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه صدوق، تهران ۱۳۹۷ق.
۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم ۱۴۰۸ق.
۲۸. یزدی حائری، علی، الزام الناصب، مؤسسه الأعلمی، بیروت ۱۴۲۲ق.



## سوالات مسابقه بزرگ کتابخوانی ویژه ایام نیمه شعبان سال ۱۳۹۹

الف) با توجه به تعبیر ..... در آیه ۱۹۶ سوره مبارکه اعراف، می‌توان ادعا کرد: «عامل محرومیت از نعمت‌های الهی و وجود مشکلات، عملکرد خود انسان‌ها است».

۱. اَمَّنُوا وَاتَّقُوا
۲. لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِمُ
۳. بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
۴. أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا

ب) در آیه ۱۲۵ سوره مبارکه آل عمران چه چیزی عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی معرفی شده است؟

۱. استقامت و تقوا
۲. ایمان و اعتماد به نصرت و یاری خداوند
۳. تقوا و عمل صالح
۴. تحمل و بردباری

ج) کدام آیه بیانگر تشکیل حکومت جهانی و حاکمیت سراسری اسلام است؟

۱. آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه
۲. آیه ۹ سوره مبارکه صف
۳. آیه ۲۸ سوره مبارکه فتح
۴. همه موارد

د) یکی از دلایل ..... فراهم شدن شرایط انسانی ظهور برای تشکیل حکومت مهدوی است.

۱. وقوع علایم ظهور
۲. گسترش ظلم
۳. امتحان‌های سخت عصر غیبت
۴. غیبت صغری

ذ) کدام گزینه صحیح‌ترین پاسخ به این سؤال است:

وقتی قرار است برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کنیم چه نیازی به تلاش برای زمینه سازی برای ظهور است؟

۱. دعا در کنار تلاش و کوشش است و نه بجای آن
۲. ائمه علیهم السلام با وجود اینکه مظهر دعا بودند؛ اما شبانه روز در حال تلاش بودند
۳. قرآن کریم در آیه ۲۶ سوره مبارکه شوری ایمان و انجام اعمال صالح را دو شرط استجاب دعا بیان می‌فرماید بنابراین به همراه دعا باید تلاش و زمینه‌سازی کرد.
۴. همه موارد

ر) با توجه به آیه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره کدامیک از انبیاء الهی برای رسیدن به مقام امامت، مورد امتحان‌های سخت قرار گرفت.

۱. حضرت یعقوب علیه السلام
۲. حضرت ابراهیم علیه السلام
۳. حضرت ایوب علیه السلام
۴. حضرت نوح علیه السلام

## سوالات مسابقه بزرگ کتابخوانی ویژه ایام نیمه شعبان سال ۱۳۹۹

ز) کدامیک از موارد زیر از وظایف اصلی شیعیان در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه است؟

۱. تلاش در راستای تحقق علایم ظهور جهت نزدیک کردن زمان ظهور
۲. تلاش برای دیدار و ملاقات با ایشان
۳. شِناخِیةِ حَضْرَتِ وِ اِهْدِافِ اِیْشَانِ با توجه به دعای معرفت: «... اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِی حُجَّتَكَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تَعَرَّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلتَ عَن دِیْنِی»
۴. جَسْتَجُو جِهَتَ پیدَا کَرْدَن مَحَل زَنْدَگِی اِمَام زَمَان عجل الله تعالی فرجه الیه

ک) این عبارت را کامل کنید: «انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به معنای سکوت و .....»

۱. عدم توجه به ظلم ظالمان ستمگر در جامعه است.
۲. گوشه گیری و نجات خود از منجلاب فساد در جامعه است.
۳. بی تفاوتی در برابر ظلم نیست.
۴. دعا برای ظهور حضرت جهت رفع ظلم و ستم است.

ل) با توجه به عبارت «لَعَلَّهُمْ یَضْرَعُونَ» در آیه ۹۴ سوره مبارکه اعراف، می توان گفت:

۱. ناگواری ها و مشکلات راهی برای بیداری فطرت و توجه به خدا است.
۲. سختی ها و مشکلات، راه بیداری فطرت و توجه به خدا را مسدود می کند.
۳. ناگواری ها، قهر الهی است.
۴. با آمدن انبیاء، سختی ها و مشکلات شروع می شود.

م) اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه فقط با کرامت و امدادهای غیبی و بدون استفاده از شرایط انسانی جهان را فتح می کند و حکومت دین و عدالت را در سراسر عالم می گستراند ..... است.

۱. عین عقلانیت
۲. مصلحت بشریت
۳. خلاف عقل و آیات قرآن
۴. حکمت الهی

ن) روایت «مردانی در میان آنها هستند که شبها نمی خوابند، زمزمه آنها در حال عبادت، همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند» به کدام صفت و ویژگی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه اشاره دارد:

۱. عبادت و مناجات
۲. ایمان مستحکم
۳. تقوی و پرهیز کاری
۴. اخلاص و انگیزه الهی

و) کدام گزینه ناصحیح است؟

۱. گسترش ظلم لزوماً به این معنا نیست که ما هم ظلم کنیم. همین که جلو ظلم را نگیریم کمک می کند که ظلم گسترش یافته و ظهور محقق شود.
۲. در حال حاضر همه جا پر از ظلم است، اما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه ظهور نکرده اند؛ معلوم می شود گسترش فساد شرط ظهور حضرت نیست.
۳. در روایات بیان شده ظلم گسترش پیدا می کند نه اینکه همه ظالم می شوند.
۴. فلسفه قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه از بین بردن ظلم و فساد است؛ حال چگونه می توان ظلم و فساد را شرط ظهور ایشان دانست؟

## سوالات مسابقه بزرگ کتابخوانی ویژه ایام نیمه شعبان سال ۱۳۹۹

ه) مطابق آیه ۲۵۰ سوره مبارکه بقره « رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا »، کدام گزینه از اوصاف یاران حضرت مهدی عج می باشد.

۱. افزایش قدرت بدنی
۲. روحیه جهاد و مبارزه
۳. صبر و اصلاح گری در جامعه
۴. صبر و استقامت

ی) یکی از عوامل مهم موفقیت در امتحانات عصر غیبت، صبر و استقامت است. راهکار قرآنی برای صبر بر مشکلات ..... است.

۱. جهاد و مبارزه با دشمنان دین الهی
۲. تشکیل یک حکومت قوی و منسجم
۳. تقویت نیروی نظامی و وحدت میان آنها
۴. آشنایی با صابران و چگونگی صبرشان در تاریخ

**مرحلت شرکت در مسابقه: از نیمه شعبان تا عید سعید فطر**  
**نحوه شرکت در مسابقه:**

**ارسال گزینه‌های صحیح را به صورت یک عدد ۱۴ رقمی (بدون هیچ کاراکتر اضافه‌ای) به سامانه پیامکی ۱۳۶۶ ۳۰۰۰۰ ارسال نمایید.**

صفحه سوم



بنیاد فرهنگی حضرت محمدی موعود (عج)